

پاسخ های کوتاه
به ادعاهای بزرگ
احمد اسماعیل بصری
بقلم: سید محمد علوی

پاسخ‌های کوتاه
به ادعاهای بزرگ
احمد اسماعیل بصری

(معروف به الإمام أحمد الحسن الیمانی)

مدعی جدید
باییت و امامت و مهدویت و یمانیّت و رسالت
و...

بقلم
سید محمد علوی

پاسخ های کوتاه

به ادعاهای بزرگ احمد اسماعیل بصری

[کتاب: پاسخ های کوتاه به ادعاهای بزرگ

[بقلم: سید محمد علوی

[ناشر: انتشارات اسلامی جهانی تبلیغ و ارشاد

[چاپ: اول ۱۳۹۷ شمسی - ۱۴۴۰ قمری - ۲۰۱۹ م





بسم الله الرحمن الرحيم

پیش گفتار:

تاریخ نشان داده است که در هر برهه از زمان، افرادی در لباس ها و عناوین مختلف، مدّعی نیابت، بایّت، وصایت، یمانیّت، مهدویّت و... می شوند، همچنین در عصر کنونی نیز فردی به نام احمد اسماعیل از قبیله الهمبوشی از شهر بصره در جنوب عراق، ابتدا ادعای یمانیّت، سپس نیابت، سپس فرزندی و در آخر ادّعای مهدویّت و قائم اوّل بودن و رسالت و... را کرده است. لازم به ذکر است، نامبرده فردی معلوم



الهوئیّه، ولی مجهول الحال و المکان می باشد که در سال ۲۰۰۸ میلادی شخصاً به همراهی انصارش با نیروهای امنیتی و ارتش عراق درگیری مسلحانه پیدا کرد و از آن پس به غیر از صفحه ای در وبسایت فیسبوک که هر از چند گاهی به روزرسانی می شود، هیچ نشانه ای مبنی بر زنده بودن وی موجود نیست.

اما بعد از این واقعه، افرادی که خود را انصار احمد الحسن الیمانی، یا مهدیون و یا احمدیون می نامند به فعالیت خود در دنیای مجازی و حقیقی ادامه داده و از روشهای مختلف برای گسترش فرقه خود استفاده کرده اند که اصلی ترین روش آنان، استفاده ی بی وقفه از روایات متعدّد در جهت اقناع ذهنی طرف مقابل می باشد که این شیوه در باب مغالطات، به مغالطه



بمباران اطلاعاتی معروف می‌باشد.

دلایل احمد اسماعیل جهت اثبات امامت خود، منحصر به سه دلیل می‌شود که عبارتند از: تمسک به وصیت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در شب وفات آن حضرت، تأیید امامت بوسیله ائمه علیهم السلام یا حضرت فاطمه زهراء علیها السلام در خواب و رؤیا و استخاره با قرآن یا تسبیح به نیت تبعیت از احمد اسماعیل بصری.

به تبع، روایات استفاده شده از طرف مبلغین این فرقه، به سه دسته‌ی کلی تقسیم می‌شوند:

۱- روایات اثبات وصیتنامه‌ی شب وفات پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله.

۲- روایات استفاده شده جهت حجیت بخشی به رؤیا و خواب.

۳- روایات استفاده شده جهت حجیت



بخشی به استخاره.

لکن از آنجایی که روایات و احادیث در حیطه‌ی مهدویت متعدد بوده و مبلغین این فرقه به تازگی به روایت‌های نامربوط بسیاری، با توجیهاتی بسیار سبک و بی‌مایه تمسک جسته‌اند، و مسلماً پرداخت به تمام این روایات و بحث حول تمام این احادیث، گذشته از قطور شدن صفحات و صرف زمان طولانی، فایده‌ای نخواهد داشت، فلذا در این نوشتار تنها به روایاتی خواهیم پرداخت که خود احمد اسماعیل در کتاب‌های منسوب به وی، به آنها تمسک کرده و بوسیله آنها دعوت خود را - به زعم خود - مستند و مستدل کرده، و یا توسط حلقه‌ی اول مبلغین - که احمد اسماعیل صریحاً آنان و کتابهایشان را تأیید کرده است - مورد استفاده قرار گرفته است، و



مسئلاً با خدشه دار شدن دلالت و یا سند این روایات، طبیعتاً نیازی به بحث در مورد روایات فرعی، باقی نمی ماند.

در این نوشتار بر آن شدیم تا با روشی جدید، به صورت فشرده و کوتاه، اشکالات متعدّد وارده بر هر یک از روایات مورد استفاده توسط امام این فرقه، در هر یک از تقسیمات فوق را جمع آوری نموده و در اختیار دوست داران حقّ و حقیقت قرار دهیم، باشد تا این نوشتار مختصر، سهمی هرچند اندک، در عدم گمراهی مؤمنین و حتی بیداری فردی از افراد فریب خورده و ملحق شده به این فرقه داشته باشد، إن شاء الله.

نکات ضروری:

۱- ذکر این نکته ضروریست که برخی از اشکالات ذکر شده در این رساله، توسط



تعدادی از مبلغین فرقه‌ی مذکور توجیه شده است، لکن بسیاری از این اشکالات بدون پاسخ مانده و یا با توجیهات بسیار سطحی و غیر منطقی سعی در سرپوش گذاشتن بر این اشکالات داشته اند.

۲- اغلب روایات مورد استفاده توسط این فرقه، از روایات ضعیف و غیر قابل تمسک در مباحث اعتقادی می باشد.

۳- از طرفی روایات وادله‌ی استفاده شده توسط این فرقه محدود بوده و بسیار به یکدیگر وابسته می باشند و خدشه دار شدن هر یک از این روایات باعث بطلان روایات دیگر و به تبع، بطلان ادّعای مهدویت و یمانیّت این فرقه از اساس می باشد.

۴- نکته‌ی قابل توجه در مورد مبلغین این فرقه، عدم تمرکز بر یک روایت و یا یک موضوع مشخص می باشد، به طوری



که در تمامی مناظره های صورت گرفته با این افراد، سعی در منحرف کردن موضوع داشته اند و این خود نوعی از مغالطات و ابزار مورد استفاده در جدل می باشد، لذا برای مقابله با این افراد لازم است مباحث، لزوماً متمرکز بر یک موضوع مشخص (مثلاً یک روایت خاص) باشد و تمام اشکالات موجود در آن موضوع به صورت تک به تک، وارد شده و تا پاسخی قانع کننده برای هر یک دریافت نشده باشد، به هیچ وجه وارد در اشکال بعدی نشویم، فضلاً از موضوع بعدی.

۵- از آنجایی که برخی از این اشکالات تخصّصی و مربوط به حوزهی دین بوده، بعضاً جهت استفاده ی خوانندگان غیر حوزوی، بخشی به عنوان (توضیح بیشتر) در نظر گرفته شده است.



۶- شایان ذکر است که پاسخ های ذکر شده در این نوشتار، قابل تکامل می باشد، لذا از محققین و دانش پژوهان ارجمند تقاضا نمودیم ما را در تکمیل این نوشتار یاری فرمایند.

۷- سعی ما بر آن بوده تا حتّی المقدور، متن تمام روایات مورد بحث را، از کتاب های منتسب به احمد اسماعیل نقل کنیم.

والله العالم
سید محمد علوی



روایت

(وصیت شب وفات)

متن روایت:

وصية الرسول الأكرم محمد ﷺ في الليلة التي كانت فيها وفاته:
 أحمد أبن عبدون والحسين بن عبيد الله
 (الغضائري) عن أبي عبد الله الحسين بن
 علي بن سفيان البزوفري، عن علي بن سنان
 الموصلي العدل، عن علي بن الحسين، عن
 أحمد بن محمد بن الخليل، عن جعفر بن
 أحمد المصري، عن عمه الحسن بن علي، عن
 أبيه، عن أبي عبد الله جعفر بن محمد، عن
 أبيه الباقر، عن أبيه ذي الثغفات سيد العابدين،



آرم و لوگوی اصلی فرقه یمانی



عن أبيه الحسين الزكي الشهيد، عن أبيه أمير المؤمنين عليه السلام قال:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله - في الليلة التي كانت فيها وفاته - لعلي عليه السلام: يا أبا الحسن أحضر صحيفة ودواة. فاملا رسول الله صلى الله عليه وآله وصيته حتى انتهى إلى هذا الموضع فقال: يا علي إنه سيكون بعدي اثنا عشر إماما ومن بعدهم اثنا عشر مهديا، فأنت يا علي أول الاثني عشر إماما سماك الله تعالى في سمائه: عليا المرتضى، وأمير المؤمنين، والصديق الأكبر، والفاروق الأعظم، والمأمون، والمهدي، فلا تصح هذه الاسماء لاحد غيرك. يا علي أنت وصيي على أهل بيتي حيهم وميتهم، وعلى نسائي: فمن ثبتها لقيتني غداً، ومن طلقها فأنا بريء منها، لم ترني ولم أرها في عرصة القيامة، وأنت خليفتي على أمتي من بعدي فإذا حضرتك الوفاة فسلمها إلى ابني الحسن



البر الوصول، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابني الحسين الشهيد الزكي المقتول، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابنه سيد العابدين ذي الثفتات علي، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابنه محمد الباقر، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابنه جعفر الصادق، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابنه موسى الكاظم، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابنه علي الرضا، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابنه محمد الثقة التقي، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابنه علي الناصح، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابنه الحسن الفاضل، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابنه محمد المستحفظ من آل محمد عليهم السلام. فذلك اثنا عشر إماما، ثم يكون من بعده اثنا عشر مهديا، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابنه أول المهديين له ثلاثة أسامي: اسم كاسمي واسم أبي وهو عبد



ترجمه روایت:

امام صادق علیه السلام از پدرش امام باقر علیه السلام از پدرش امام زین العابدین علیه السلام از پدرش امام حسین علیه السلام از پدرش امیر المؤمنین علیه السلام نقل کردند که: رسول خدا صلی الله علیه و آله در همان شبی که وفاتش در آن واقع شد، به علی علیه السلام فرمود: «ای ابا الحسن، کاغذ و دواتی بیاور.»

و حضرت وصیت خود را املا فرمود و علی علیه السلام می نوشت، تا به این جا رسید که فرمود: یا علی! بعد از من دوازده امام می باشند و بعد از آنها دوازده مهدی. پس تو یا علی اولین دوازده امام هستی. خدای تعالی تو را در آسمانش، علی مرتضی، و امیر المؤمنین، و صدیق اکبر، و فاروق اعظم، و مأمون و مهدی نامیده و این نامها برای غیر تو شایسته



الله و أحمد، والاسم الثالث: المهدي، هو أول المؤمنين^(۱).

(۱) شیخ طوسی کتاب الغیبة ص ۱۵۰.



نیست، ای علی تو وصی من بر خاندانم، زنده و مرده‌ی ایشان هستی، و نیز وصی بر زنانم هستی، هر يك را كه تو به همسری من باقی گذاری، فردای قیامت مرا دیدار کند و هر يك را تو طلاق دادی، من از وی بیزارم و مرا نخواهد دید، و من نیز او را در صحرای محشر نخواهم دید، و تو پس از من خلیفه و جانشین من بر اتمم هستی، هر گاه وفاتت رسید، خلافت را به فرزندم حسن واگذار کن، که او برّ و صول است، چون او وفاتش رسید آن را به فرزندم حسین زکی شهید مقتول بسپارد، چون هنگام وفاتش رسید، آن را به فرزندش سید العابدین ذی الثّفنات علی بسپارد، چون هنگام وفات او رسد، آن را به فرزندش محمد باقر بسپارد، و چون وفاتش رسد، آن را به فرزندش جعفر صادق واگذار کند، و چون وفاتش فرا رسد، به فرزندش موسی کاظم



بسپارد، و چون وفات او فرا رسد، به فرزندش علی رضا بسپارد، و چون وفات او فرا رسد، به فرزندش محمد ثقه تقی واگذارد، و چون هنگام وفات او شود، به فرزندش علی ناصح بسپارد، و چون وفاتش در رسد، به فرزندش حسن فاضل واگذارد، و چون وفات او برسد، آن را به فرزندش محمد که مستحفظ از آل محمّد ﷺ است، تسلیم کند، و ایشان دوازده امامند. بعد از آن دوازده مهدی می‌باشند. پس وقتی که زمان وفاتش فرا رسید، خلافت را به فرزندش که اولین مهدیین است می‌سپارد، و برای او سه نام است. يك نامش مانند نام من، و نام دیگرش نام پدر من است و آنها عبدالله و احمد، و نام سومین مهدی است و او اولین مؤمنان است.



روش استدلال احمدیون به این روایت

اولاً: وصیت ستّی از سنّت های جاری خدا می باشد و بسیاری از انبیاء بوسیله ی آن بر اقوام خویش محتج شدند.

ثانیاً: گفته های فقهای پیشین، مانند شیخ طوسی و شیخ مفید و علامه حلّی، درباره ی احتجاج به وصیت از سوی صاحب الزمان علیه السلام برای اثبات امامتشان.

ثالثاً: ادّعای اجماع شیعیان در مورد معرفت و شناخت امام از طریق وصیت از طرف مقداد سیّوری در شرح کلام علامه حلّی (اجماع حاصل شد مبنی بر برگزیدن از جانب خداوند و رسولش، و امام پیشین، عامل انتصاب و تعیین امام پسین می باشد!)



رابعاً: حجّت خدا با وصیت شناخته می شود.

خامساً: وصیت را کسی جز صاحبش نمی تواند ادعاء کند، و اگر تاریخ دعوتهای الهی از زمان حضرت آدم علیه السلام را مورد مطالعه قرار دهید، مدّعی باطلی را نمی یابد که با ذکر اسمش در وصیت خلیفه ی سابق، مردم را مورد احتجاج قرار داده باشد.

سادساً: فقط احمد الحسن بصری برای اثبات حقانیتش به وصیت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله تمسّک کرده است.

نتیجه: پس احمد الحسن بصری، حجّت خدا و جانشین امام دوازدهم شیعه، حضرت مهدی علیه السلام می باشد!



۲- نام بردن از مهدیون و احمد، لفظ واحد بوده و لذا تواتر معنوی برای اثبات مهدیون و احمد نیز وجود ندارد.

توضیح بیشتر: تواتر معنوی شرایط و مشخصاتی دارد و اینطور نیست که هر کس ادعای تواتر لفظی یا معنوی کرد مورد قبول واقع شود و شرایط تواتر، عبارتند از اجتماع عدّه ای بیش از چند نفر، در یک قضیه، در طبقه اول و سائر طبقات بر لفظ یا معنایی، که به صورت طبیعی احتمال کذب یا اشتباه در آن قضیه وجود نداشته باشد، و حال آنکه در مورد مهدیین هیچ یک از این شرایط موجود نمی باشد.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



پاسخ های کوتاه به ادعاهای بزرگ

احمد اسماعیل

۱- لفظ این روایت خبر واحد بوده و لذا به هیچ وجه قابل احتجاج در مباحث اعتقادی نیست.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱: کتب رجالی برای ما حجّت نمی باشند!

۲: با ظهور احمد الحسن و تأیید هر خبر واحدی توسط ایشان، آن خبر یقینی می شود!

۳: این خبر متواتر معنوی است!

۴:؟؟؟



۳- این روایت با تمام روایات ذکر شده در مورد نام اهل بیت تعارض لفظی و معنایی دارد.

توضیح بیشتر: روایات متعددی در مورد اسماء ائمه و تعداد ایشان در مجامع روایی شیعه و اهل سنت وجود دارد که از نظر لفظی و معنایی با ادعای مهدیین تعارض دارد و در زمان تعارض، بدون شک ارجحیت با روایات دوازده امام می باشد که بیشتر صحیح تر واضح تر و بی اشکال تر می باشند، که از ذکر تک تک موارد، به دلیل رعایت اختصار، صرف نظر می کنیم).

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۴- طبق کلام احمد اسماعیل که ادعای علم امامت دارد (در بیانیه برائت)، روایت وصیت به سند صحیح به شیعه رسیده است. (نکته: در حالی که قطعاً سند روایت به طریق صحیح به دست ما نرسیده و بلکه اطمینان به ضعف سند روایت وجود دارد، حال منظور احمد اسماعیل از این که روایت به سند صحیح به شیعه رسیده چیست؟ صحت در نزد خودش که قطعاً قبل از اثبات امامتش برای شیعه حجت نیست، یا صحت در نزد شیعه، که یقیناً وجود ندارد! به عبارت دیگر ما باید سند روایت را صحیح بدانیم چون احمد اسماعیل که خودش با همین روایت ثابت می شود گفته که سند این روایت صحیح است، و این دور مصرّح است



۵- سند این روایت ضعیف است به دلیل وجود فردی به نام علی بن سنان الموصلی العدل در سلسله سند که به احتمال زیاد از اهل سنت می باشد.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



که به بداهت عقلی باطل است)

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۷- سند این روایت ضعیف است به دلیل وجود فردی به نام احمد ابن محمد ابن خلیل در سلسله سند که مجهول مطلق می باشد. توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:
۱:؟؟؟



۶- سند این روایت ضعیف است به دلیل وجود فردی به نام علي بن الحسين در سلسله سند که مجهول مطلق می باشد. (نکته: استدلال مبلّغین این فرقه به این که فرد نامبرده والد شیخ صدوق است قابل اثبات نیست بلکه مردود است، زیرا شیخ طوسی طبق تصریح خود، تنها دو طریق به والد شیخ صدوق دارد که هیچیک در اینجا وجود ندارد.) توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:
۱:؟؟؟



۸- سند این روایت ضعیف است به دلیل وجود فردی به نام جعفر بن أحمد المصری در سلسله سند که مجهول مطلق می باشد. توجیهات وارد شده از طرف احمدیون: ۱:؟؟؟



۹- سند این روایت ضعیف است به دلیل وجود فردی به نام الحسن بن علی در سلسله سند که مجهول مطلق می باشد. (نکته: این که حسن در اصل تصحیف شده حسین است و حسین بن علی مصری نیز در کتب رجالی توثیق شده است، مورد قبول نیست به دلیل احتجاج احمد اسماعیل به این روایت با همین سند، که از نظر اصحاب یمانی به علم امامت وی، باید دال بر عدم تصحیف و اشتباه در این روایت و این سند باشد، و از طرفی صاحب مختصر بصائر الدرجات قرن نهم و تمام کتب روائی موجود، فرد مذکور را به همین نام (حسن بن علی) ثبت نموده اند که دلالت صریح بر عدم تصحیف این نام دارد، چرا که قول به تصحیف، قواعدی دارد که از جمله آنها وجود حداقل یک روایت یا یک سند مشابه در یکی دیگر از کتب روایی



۱۰- سند این روایت ضعیف است به دلیل
وجود فردی به نام علی پدر حسن بن علی در
سلسله سند که مجهول مطلق می باشد.
توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:
۱:؟؟؟



موجود با نام دوم است)
توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:
۱:؟؟؟



۱۲- وصیت احمد اسماعیل، باید به املائی حضرت رسول و خط مبارک حضرت علی باشد.

توضیح بیشتر: طبق نص این روایت و روایت شماره پنج، وصیتی که حضرت مهدی علیه السلام اولین بار از زیر قبای خود بیرون می آورند، باید به املائی رسول الله و به خط مبارک حضرت علی باشد، در حالی که وصیتی که احمد اسماعیل از زیر قبای خود بیرون آورد چاپ بیروت بود و در کتاب الغیبه ی شیخ طوسی!

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۱۱- نقل روایت توسط شیخ طوسی، به تصریح خود شیخ در تمام کتب روایشان، دلیل بر صحت آن روایت نمی باشد.
توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۱۳- لفظ (بعدی) در تمام روایت مسلماً به معنای بعد از وفات و مرگ می باشد.

توضیح بیشتر: لفظ بعدی در جمله (سیکون بعدی اثنا عشر اماماً) به قرینه سین بر سر فعل مضارع، مسلماً به معنای بعد از وفات رسول الله می باشد، پس لفظ بعدی در جمله (ومن بعدهم اثنا عشر مهدیاً) که بلافاصله پس از جمله قبل آمده است باید مسلماً به معنای بعد از وفات و مرگ باشد، و از آنجایی که این فرقه، ظاهراً هنوز قائل به مرگ حضرت مهدی علیه السلام نشده اند پس تمسک به این وصیت باطل است.)

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۱۴- (ومن بعدهم اثنا عشر مهدیاً) که نص صریح است بر ظهور ۱۲ مهدی بعد از رحلت ۱۲ امام.

توضیح بیشتر: عبارت (یا علی إنه سیکون بعدی اثنا عشر اماماً ومن بعدهم اثنا عشر مهدیاً) به صراحت بیان می کند که مقام هدایت، مقامی غیر از مقام امامت می باشد و زمانی نوبت به آن ظهور ۱۲ مهدی میرسد که مقام امامت با فوت امام دوازدهم تمام شده باشد، و از آنجایی که این فرقه، ظاهراً هنوز قائل به مرگ حضرت مهدی علیه السلام نشده اند پس تمسک به این وصیت باطل است.)

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۱۵- عبارت (فإذا حضرتك الوفاة) که پس از نام هر یک از ائمه ع ذکر شده به معنای وفات و مرگ هر امام می باشد.

توضیح بیشتر: به همین دلیل مهدیون دوازده گانه، باید بعد از وفات و مرگ حضرت مهدی عج بیایند نه قبل از آن، و از آنجایی که این فرقه، ظاهراً هنوز قائل به مرگ حضرت مهدی عج نشده اند پس تمسک به این وصیت باطل است.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۱۶- در تمام شرایع آسمانی و در نزد تمام عقلای دنیا، وصیت تنها بعد از مرگ وصیت کننده نافذ و قابل اجرا می باشد.

توضیح بیشتر: بعضی از مبلغین این فرقه به وصی بودن هارون در زمان حضرت موسی و امثال آن برای صحت وصی بودن احمد اسماعیل در زمان حضرت مهدی عج استناد می کنند، در حالی که بحث اصولاً در مورد وصی نیست، بلکه درباره وصیتنامه ای است که در هنگام مرگ نوشته می شود و قرآن به آن امر فرموده است!

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۱۷- این روایت بدون روایت شماره پنج قابل استفاده نمی باشد، در حالی که این دو روایت با یکدیگر در تعارض می باشند.

توضیح بیشتر: در این روایت پیامبر اکرم از حضرت علی دوات و قلم می طلبند و وصیت را املاء کرده و حضرت علی کتابت می نمایند، در حالی که در روایت پنجم وصیت از طرف جبرئیل به صورت مختوم و مهر و موم شده برای پیامبر آورده می شود و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه نیز همین وصیت مختوم را با همان مهر طلایی رنگ یا از طلا ساخته شده، در زمان ظهور از زیر قبای مبارک خود بیرون آورده و به آن احتجاج می فرمایند.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۱۸- اگر وصیت فقط همان وصیت شب وفات است پس چرا پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله قصد داشتند روز پنج شنبه برای اصحاب وصیت بنویسند.

توضیح بیشتر: این فرقه ادعا می کنند که وصیت باید فقط در شب وفات نوشته شود و چون روایت دیگری برای وصیت در شب وفات غیر از این روایت در دست نیست پس وصیت پیغمبر همین است و لا غیر در حالی که ممکن است سؤال شود پس به چه دلیل رسول خدا میخواستند وصیت را در شب جمعه سه روز مانده به وفات بنویسند؟ و اگر وصیت در غیر شب وفات در واقع وصیت نیست و رفع تکلیف نمی کند و قابل استناد نیست پس



۱۹- مهدی اول (اول المؤمنین) به چه چیز است؟ به قیام خودش یا به وصیت پدرش یا به ظهور حضرت مهدی عج؟

توضیح بیشتر: مهدی اول (اول المؤمنین) به چه چیز است؟ به قیام خودش؟ که مسلماً منظور نیست! به وصیت پدرش؟ که پدرش هنوز وصیت را از زیر قبا خارج نفرموده! به ظهور حضرت مهدی عج؟ که هنوز ظهوری صورت نگرفته!

توجیحات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



العیاذ باللہ پیامبر مکرم اسلام میخواستند کاری بیهوده و عبث انجام دهند؟

توجیحات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۲۰- چه کسی این وصیت را تسلیم احمد اسماعیل کرده است حضرت مهدی علیه السلام یا جناب شیخ طوسی؟

توضیح بیشتر: طبق نصّ روایت، وصیت را باید حضرت مهدی به مهدی اول تسلیم کند در حالی که احمد اسماعیل این وصیت را از کتاب الغیبه شیخ طوسی رونوشت کرده است.

توجیهاات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۲۱- طبق روایت پنجم، اگر قرار بود این وصیت مخفی بماند پس چطور باید به آن تمسک می شد؟

توضیح بیشتر: طبق ادعای مبلغین این فرقه، تنها وصیتی که اگر به آن تمسک شود کسی گمراه نمیشود همین وصیت است در حالی که طبق روایت پنجم این وصیت قرار بود بر همگان مخفی بماند سؤال اساسی اینجاست که اگر این وصیت قرار بود مخفی بماند پس چطور باید توسط مؤمنین به آن تمسک می شد؟

توجیهاات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۲۲- نام پیغمبر در آسمانها أحمد می باشد، اما در روی زمین نام مبارکشان محمد می باشد نه أحمد.

توضیح بیشتر: طبق روایات متواتر نزد شیعه و اهل سنت نام مهدی آخر الزمان هم نام پیامبر و کنیه اش هم کنیه ی پیامبر می باشد و متفق علیه نزد فریقین است که نام مهدی آخر الزمان م ح م د می باشد، که همان نام پیامبر مکرم اسلام در نزد زمینیان است، و نام مبارک أحمد به تصریح فریقین نام پیامبر اکرم در میان اهل آسمان می باشد، پس طبق این روایت حتماً أحمد اسماعیل امام اهل آسمان است نه اهل زمین!

توجیهاات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۲۳- طبق نص روایت فرزند حضرت مهدی عج باید سه اسم داشته باشد در حالی که احمد اسماعیل فقط یک اسم دارد! توجیهاات وارد شده از طرف احمدیون: ۱:؟؟؟



۲۴- کلمه (فلیسلمها إلی ابنه) در مورد فرزند بلا فصل امام محتضر می باشد.

توضیح بیشتر: در این روایت در مورد دوازده امام معصوم، کلمه (فلیسلمها إلی ابنه) در مورد فرزند بلا فصل امام محتضر بوده است، و به دلیل انصراف و حفظ سیاق روایت، حضرت مهدی علیه السلام نیز باید وصیت را تسلیم به فرزند بلا فصل خود کنند نه به فردی بی اصل و نسب (خاملاً اصله) با سی واسطه!

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۲۵- متن روایت مضطرب می باشد:

(حضرت علی فرمودند: رسول الله در شب وفاتشان به حضرت علی علیه السلام فرمودند: یا ابالحسن!)

توضیح بیشتر: این نوع تعبیر در هیچ یک از روایات ما وجود ندارد و اساساً از نظر جمله بندی دارای اشکال می باشد به این دلیل که معنی ندارد حضرت علی که خود ناقل حدیث هستند در حین نقل حدیث از عبارت (پیامبر به حضرت علی فرمود) استفاده کنند و مسلماً باید می فرمودند (پیامبر به من فرمودند)، و عبارت عربی صحیح به این صورت می باشد: (عن أبيه أمير المؤمنين عليه السلام قال: قال لي رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم - في الليلة التي كانت فيها وفاته - : يا أبا الحسن أحضر صحيفة ودواة) و این نوع صحبت از یک عرب درس نخوانده مقبول نیست تا چه رسد



به امیر المؤمنین علی علیه السلام.

توجیحات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۲۶- متن روایت مضطرب است (...)
والمهدی، فلا تصح هذه الاسماء لاحد
غیرك)، در حالی که طبق ذیل روایت، مهدی
اول سه نام دارد که از جمله آنها (المهدی)
می باشد.

توضیح بیشتر: نامگذاری هیچ یک از اسماء
نام برده شده در متن وصیت برای حضرت
علی علیه السلام طبق نص روایت بر غیر از
حضرت علی علیه السلام جائز نمیباشد حتی
بر ائمه علیهم السلام و روایات متواتر دال بر
نهی شدید ائمه از نامگذاری امیر المؤمنین
و صدیق و فاروق، حتی بر خود ائمه اطهار
علیهم السلام وجود دارد، و به همین دلیل
نام المهدی نیز به نص روایت (فلا تصح
هذه الاسماء لاحد غیرك) جز بر حضرت
امیر جائز نمیباشد در حالی که در پایین همین
روایت حداقل دوازده نفر و از جمله مهدی اول



به این نام نامگذاری شده اند! و اگر بگویند که این اسماء برای حضرت علی در آسمان است و ارتباطی به زمین ندارد پس حتما لا تصح هذه الأسماء لأحد غیرک هم برای اهل آسمان است که در این صورت چندین اشکال بوجود میآید از جمله نامگذاری افراد زمینی به این اسماء نهی نشده است که این مخالف تمام روایات شیعه است و از جمله این که اهل آسمان یا خودشان بر خودشان اسم میگذارند که بی تردید باطل است یا خدا بر آنها اسم میگذارد که لا تصح در امر خدا معنی ندارد یا دوستان آسمانشان بر آنها اسم میگذارند که این هم باطوب بالضرورة است و یا اهل زمین بر آنها اسم میگذارند که این مما یضحک به (الثکلی است.)

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۲۷- متن روایت مضطرب است به دلیل عبارت: (یا علی أنت وصی علی اهل بیتی حیهم ومیتهم).

توضیح بیشتر: وصی بودن از طرف رسول خدا بر زندگان و احیاء معقول و قابل قبول است اما وصی بودن از طرف حضرت رسول بر مردگان به هیچ وجه قابل تصور نیست! توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۲۸- متن روایت مضطرب است بدلیل عبارت: (لم ترني ولم أرها في عرصة القيامة).

توضیح بیشتر: طبق روایات صحیحه، تمام بشریت چه کافر و چه مؤمن، حضرت رسول ائمه اطهار را در روز قیامت و در عرصه قیامت مشاهده کرده و خدای متعال مقام و منزلت ایشان را بر همگان آشکار می نماید، در حالی که متن فوق با این روایات در تعارض صریح می باشد)

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۲۹- متن روایت مضطرب است به دلیل عبارت: (اول المهديين له ثلاثة أسامي).

توضیح بیشتر: روایتی که احمد اسماعیل اولین بار آن را پیدا کرده و به آن استناد کرده و آن را به عنوان وصیت شب وفات رسول الله تایید کرده، از کتاب الغیبه شیخ طوسی بوده، در حالی که در تمام نسخه های موجود کتاب شیخ طوسی، عبارت (أول المقربين له) به جای عبارت فوق ثبت شده، حال سؤال اینجاست که به چه دلیل اتباع احمد اسماعیل این عبارت را با عبارت کتاب مختصر بصائر الدرجات قرن نهم که (اول المهديين) است جا به جا کرده اند؟

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۳۰- اگر احمد اسماعیل مهدی اول است و وصیت به او تسلیم شده، پس دیگر نیازی به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه نیست.

توضیح بیشتر: معنا و مفهوم وصیت این است که تا زمان زنده بودن وصیت کننده قابل تمسک و اجرا نباشد، پس یا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه از دنیا رفته اند و یا هنوز وصیت را تسلیم نفرموده اند!

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۳۱- اگر وصیت را فقط باید در شب وفات تسلیم کرد، پس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه وصیت را تسلیم فرموده و از دنیا رفته اند.

توضیح بیشتر: تا زمانی که امام زنده باشد، تسلیم کردن وصیت به امام بعدی نه مأمور به است و نه عقلاً معنایی دارد و نه عرف قبول می کند و به این دلیل که طبق ادعای یمانی ها، وصیت را باید فقط در شب وفات تسلیم امام بعدی کرد پس یا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه از دنیا رفته اند و یا هنوز وصیت را تسلیم نفرموده اند!

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۳۲- تایید کلام شیخ ناظم العقیلی به این
که: ائمه و اوصیاء بعد از وفات حضرت مهدی
علیه السلام می آیند، توسط احمد اسماعیل.

توضیح بیشتر: احمد اسماعیل در کتاب
خود (بیان الحق والسداد من الأعداد) به
قلم خود، صریحاً اتباعش را به کتاب اربعون
حدیث شیخ ناظم العقیلی ارجاع میدهد و آن را
تایید می کند و به خواندن آن امر می کند، در
حالی که شیخ ناظم العقیلی در ابتدای مقدمه
کتاب چهل حدیث خود بارها به این مطلب
تصریح می کند که: ائمه و اوصیاء بعد از
وفات حضرت مهدی علیه السلام می آیند.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۳۳- طبق نقل روایات معتبر و متواتر و
محفوظ به قرائن، این وصیت آخرین وصیت
پیغمبر اکرم نمی باشد.

توضیح بیشتر: طبق نقل کافی از حضرت
موسی بن جعفر علیه السلام، وصیت دیگری
در کتاب کافی جلد ۱ صفحه ۲۸۱ بعد از این
وصیت از طرف خدا بر پیغمبر اکرم فرستاده
شده است که از ابتدا مکتوب بوده و حضرت
علی به دستور جبرئیل آن را به صورت حرف
به حرف برای رسول الله قرائت فرمودند
و مسلماً این وصیت غیر از وصیت مورد
ادعای احمد اسماعیل است چرا که در
وصیت آخر پیامبر اسلام تمام افراد داخل
حجره را بیرون فرموده و تنها حضرت علی
در کنار پیغمبر باقی ماندند و حضرت زهرا
نیز در کنار درگاه نظاره گر بودند، در حالی که
به اعتراف احمد اسماعیل (الوصیة المقدسة



الكتاب العاصم من الضلل صفحه ۱۶) وصیتی که او به آن احتجاج می کند در حضور یاران و اصحاب موافق با نوشتن وصیت کتابت شده است، حال آنکه طبق ادعای احمد اسماعیل حضرت مهدی علیه السلام فقط و فقط به آخرین وصیت احتجاج خواهند کرد چرا که آخرین وصیت بازدارنده از گمراهی و خلاصه رسالت و حافظ دین می باشد (وَأُوكِدَ فِي آخِرِ لِحَظَاتِ حَيَاتِهِ؛ لِأَنَّهُ نَبِيُّ يُوْحَى لَهُ فَمَا يَقُولُهُ فِي آخِرِ لِحَظَاتِ حَيَاتِهِ هُوَ خِلَاصَةُ رِسَالَتِهِ وَمَا يَحْفَظُ الدِّينَ بَعْدَهُ) (الوصية المقدسة الكتاب العاصم من الضلل صفحه ۱۵) و عبارت (فعلة الوصية عند الاحتضار لخليفة الله والحكمة منها لان الوحي والتبليغ مستمر لخليفة الله في ارضه حتى اخر لحظة من حياته فوصيته تكون باخر ما يوحي له فيما يخص امر خليفة او خلفاء الله من بعده أو اوصيائه ولهذا قال الحكيم



المطلق سبحانه (كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدُكُمْ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ...) ولم يقل كتب عليكم الوصية فحسب (الوصية المقدسة الكتاب العاصم من الضلل صفحه ۳۲).

توجهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۳۴- طبق نص وصیت آنچه که باید تسلیم شود خلافت است نه وصیت.

توضیح بیشتر: استدلال مدعیان مهدویت از اساس باطل است، زیرا آنچه پیامبر اکرم در روایت امر به تسلیمش به امام بعدی فرموده اند متن وصیت نامه نیست بلکه خلافت بعد از رسول الله است، به چند دلیل: اولاً ضمیر به نزدیکترین مرجع خود برمیگردد، ثانیاً اگر عبارات آخر جزو وصیت نامه باشد پس هنوز وصیت نامه تکمیل نشده و حضرت علی در حال کتابت می باشند، و امر به تسلیم وصیت نامه ای که هنوز کامل نشده معنا ندارد، اگر این الفاظ خارج وصیت نامه باشد که ادعای یمانی ها بر ذکر نام احمد در وصیت نامه باطل می باشد.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۳۵- طبق نظر احمد اسماعیل (کتابت وصیت واجب است) در حالی که پیغمبر اکرم وصیتی را کتابت نفرمودند.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۳۷- اگر نوشتن وصیت بر وصیت کننده لازم است که پیغمبر وصیتی ننوشته اند و فقط املا فرموده اند، اما اگر وصیت شفاهی کافی است که پیغمبر اسلام در حدیث ثقلین و امثال ذلک، قبل از رحلت خود بارها و بارها به کتاب خدا و عترت خود وصیت فرموده اند. توجیحات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۳۷- از نقل وصیت با عبارات متفاوت ثابت می شود که شخص احمد اسماعیل هم نمیدانند متن واقعی وصیت چیست.

توضیح بیشتر: احمد اسماعیل در بعضی از کتب خود عبارت اول المقربین و در بعضی از کتب خود عبارت اول المهدیین را از وصیت نقل می کند، و این خود دلیلی واضح بر عدم علم احمد اسماعیل به نص واقعی وصیت نوشته شده در روز رحلت رسول خدا دارد، زیرا مسلماً یکی از این دو عبارت صحیح می باشد و احمد اسماعیل که خود صاحب وصیت است باید به عبارت صحیح استناد کند. تنها یک نمونه از این تفاوت در نقل: عبارت (اول المقربین) در کتاب الوصیة المقدسة الکتاب العاصم من الضلال صفحه ۱۸) و عبارت (اول



المهديين) در کتاب (بيان الحق والسادات من

الأعداد ج ۱ صفحه ۱۷)

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۳۸- از نقل وصیت با عبارات متفاوت

توسط احمد اسماعیل ثابت می شود که

شخص احمد اسماعیل هم نمیدانند متن واقعی

وصیت چیست.

توضیح بیشتر: در برخی از کتب منسوب به

احمد اسماعیل عبارت (فإذا حضرته الوفاة)

وجود دارد و در برخی از کتب وی این عبارت

ذکر نشده است، در حالی که اگر متن وصیت

نوشته شده و ثابت باشد و احمد اسماعیل به

آن عالم باشد، مسلماً نباید اختلاف در نقل

وجود داشته باشد.)

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۴۰- اگر وصیت فقط در لحظه وفات صحیح است پس تمام وصیت های مسلمانان بی فایده خواهد بود.

توضیح بیشتر: کسی از لحظه وفات خود خبر ندارد و به همین دلیل قبل از وفات خود در کمال صحت و سلامت وصیت مینویسد نه لحظه وفات که اولاً قدرت وصیت ندارد و ثانیاً از آن لحظه اطلاع ندارد.)

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۳۹- طبق متن این روایت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه نمیتواند مهدی باشد، زیرا اول المهدیین احمد اسماعیل است.

توضیح بیشتر: اگر احمد اسماعیل اولین مهدی باشد دیگر امام دوازدهم مهدی نمیباشد و اگر امام دوازدهم مهدی باشد احمد اسماعیل دومین مهدی است.)

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۴۱- طبق ادعای این فرقه، تفاوتی بین ۱۲ مهدی با ۱۲ امام وجود ندارد.

توضیح بیشتر: اگر ۱۲ مهدی معصوم هستند و منصوص علیهم و فرزندان ائمه و... و تمام مقاماتی که برای ائمه ثابت است برای اینان نیز موجود باشد پس چه تفاوتی بین آنان و بین ۱۲ امام وجود دارد؟ و به چه دلیل در وصیت فوق این دو مورد از یکدیگر جدا شده اند و با دو نام متفاوت امام و مهدی ذکر شده اند؟ مانند تفاوت موجود بین نبی و امام باید بین مهدی و امام نیز تفاوت اساسی باشد (که نیست!)

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۴۲- اگر وصیت همین است که احمد اسماعیل به آن احتجاج کرده پس حضرت مهدی علیه السلام به چه چیزی قرار است احتجاج کند؟

توضیح بیشتر: مبلغین این فرقه مدعی هستند که سند حقانیت امام احتجاج به این وصیت است، و این وصیت مخفی میماند تا زمانی که خود امام بیاید و به آن احتجاج کند و با همین ظهور در وصیت بهترین دلیل بر امامت می باشد حال سوال اینجاست امروز که وصیت ظاهر شده است پس حضرت مهدی علیه السلام آیا به وصیت مخفی دیگری شناخته می شوند؟ یا به همین وصیت که دیگر مخفی نیست شناخته می شوند؟ اگر به دیگری باشد که ادعای احمد اسماعیل باطل است اگر به همین باشد که ظاهر شده و دیگر مخفی نیست و به درد احتجاج نمیخورد،



۴۳- احمد اسماعیل باید با وصیت به تنهایی شناخته شود نه با وصیت به کمک چندین و چند روایت دیگر.

توضیح بیشتر: وصیت فوق به تنهایی دلیل بر ادعای احمد اسماعیل نیست و مبلغین این فرقه به روایت های مختلف دیگری متمسک می شوند تا وصیت را بر احمد اسماعیل منطبق کنند و به اعتراف خودشان، وصیت به تنهایی امامت شخص احمد اسماعیل را ابداً ثابت نمیکنند.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



وهذا من التهافت و التناقض الدال علی بطلان القول

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۴۵- مسلماً وصیت نامه ناقص بازدارنده از گمراهی و ضلالت نمی باشد بلکه تمسک به آن باعث گمراهی می باشد.

توضیح بیشتر: طبق ادعای احمد اسماعیل، کاملترین راه شناخت امام، متن وصیت است که بازدارنده از گمراهی است، لکن مسلماً وصیت ناقص و ناتمام قابل تمسک نبوده و باعث گمراهی می باشد، به همان دلیل که قرآن ناقص موجب هدایت نبوده و باعث گمراهی و ضلالت می باشد لهذا قرآن کامل است و مسلماً وصیتی که احمد اسماعیل به آن تمسک کرده از ابتدا و انتها ناقص می باشد.)
توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱: ۴۴۴



۴۴- در یک زمان واحد یک امام و حجت بیشتر نمیتواند باشد در حالی که احمد اسماعیل به تازگی ادعای امامت و عصمت و رسالت و.... کرده است.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱: ۴۴۴



۴۶- حال که بعد از رحلت رسول اسلام ﷺ مسلماً اختلاف بوجود آمد، پس وصیتی برای جلوگیری از اختلاف نوشته نشده است.

توضیح بیشتر: طبق ادعای احمد اسماعیل (الوصية المقدسة الكتاب العاصم من الضلال صفحه ۱۷) پیامبر اکرم ﷺ در روز پنجشنبه، جهت جلوگیری از اختلاف قصد نوشتن وصیت را داشتند و حال آنکه مسلماً بعد از رحلت ایشان اختلاف در بین مسلمین بوقوع پیوست، پس مسلماً وصیتی برای جلوگیری از اختلاف نوشته نشده است و اگر هم نوشته شده است بی فایده بوده و باعث رفع اختلاف نشده است.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۴۷- احمد اسماعیل وصیت را نص تشخیصی میدانند در حالی که صرف وصیت امام را مشخص نمیکند.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۴۸- اگر این وصیت عاصم از ضلال است پس واجب بود که تمام ائمه علیهم السلام به آن تمسک میفرمودند.

توضیح بیشتر: اگر این وصیت عاصم از ضلال است پس واجب بود که تمام ائمه به آن تمسک میفرمودند و در نتیجه شیعه به فرق مختلف تقسیم نمیشد، حال آنکه شیعه چندین فرقه مختلف دارد پس یا ائمه علیهم السلام به این وصیت احتجاج نکرده اند و یا این وصیت بازدارنده از گمراهی نیست، که در هر دو صورت ادعای احمد اسماعیل باطل می شود.

توجهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۴۹- نام احمد اسماعیل عبد الله است یا اسرائیلی؟

توضیح بیشتر: احمد اسماعیل در هنگام احتجاج با شیعه ادعا دارد یکی از اسامیش عبد الله است به این دلیل که شیعه او را اسرائیلی میخوانند و اسرائیل به معنی کسی است که خدا را صدا کرده و کسی که خدا را ندا می کند عبد الله است، در حالی که با توجه به این استدلال مرگ بر اسرائیل یعنی مرگ بر عبد الله زیرا تمام اسرائیلی ها عبد الله هستند و عبد الله نیز نمیتواند غاصب باشد، از طرفی اساس این استدلال باطل است زیرا اسرائیل در لغت عبری به معنای کسی است که بر خدا مظفر گشت (زورمندتر از خدا) و آن لقب یعقوب بن اسحاق است که در هنگام مصارع با فرشته خدا در فنیئل بدان ملقب گردید، و یا به معنای برگزیده خدا می باشد، و کتب لغت



وبالآخره:

تو خود حدیث مفصل بخوان از این
مجمّل، واللّٰه العاصم و المستعان.
اللّٰهم أرنا الحق حقاً و ارزقنا إتباعه و أرنا
الباطل باطلاً و ارزقنا اجتنابه، یا عاصم یا
أرحم الراحمین.



احتمال اسرائیل به معنای بنده خدا را بسیار
ضعیف دانسته اند.)

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



روایت (رایة الیمانی)

أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ سَعِيدٍ ابْنُ عُقْدَةَ
قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ أَبُو
الْحَسَنِ الْجُعْفِيُّ مِنْ كِتَابِهِ قَالَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ
بْنُ مَهْرَانَ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي
حَمْزَةَ عَنْ أَبِيهِ وَوَهَيْبِ بْنِ خَفْصٍ عَنْ أَبِي
بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ
قَالَ:..... (وَلَيْسَ فِي الرَّايَاتِ رَايَةٌ أَهْدَى مِنْ
رَايَةِ الْيَمَانِيِّ هِيَ رَايَةٌ هُدًى لِأَنَّهُ يَدْعُو إِلَى
صَاحِبِكُمْ فَإِذَا خَرَجَ الْيَمَانِيُّ حَرَّمَ بَيْعَ السِّلَاحِ
عَلَى النَّاسِ وَكُلِّ مُسْلِمٍ وَإِذَا خَرَجَ الْيَمَانِيُّ
فَانْهَضْ إِلَيْهِ فَإِنَّ رَايَتَهُ رَايَةٌ هُدًى وَلَا يَحِلُّ
لِمُسْلِمٍ أَنْ يَلْتَوِي عَلَيْهِ فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَهُوَ مِنْ



أَهْلِ النَّارِ لِأَنَّهُ يَدْعُو إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقِ
مُسْتَقِيمٍ^(۱)

(۱) الغيبة - محمد بن ابراهيم النعماني ص ۲۶۴



پاسخ های کوتاه به ادعاهای بزرگ احمد اسماعیل

۱- سند روایت ضعیف است به دلیل وجود (علی بن ابی حمزه بطائنی) که از رؤسا و سه نفر بنیانگذار فرقه منحرف واقفیه بوده و در نزد تمام شیعه بسیار مذموم، ملعون و دروغگو می باشد.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



روش استدلال احمدیون به این روایت



۳- سند روایت ضعیف است به دلیل نقل روایت به نحو وجاده که از ضعیف ترین انواع نقل حدیث می باشد.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۲- سند روایت ضعیف است به دلیل وجود (حسن ابن علی بن ابی حمزه بطائنی) که از بزرگان فرقه منحرف واقفیه بوده و در نزد تمام شیعه بسیار مذموم، ملعون و دروغگو می باشد.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۴- یمانی بودنِ شخصی احمد اسماعیل، به هیچ وجه قابل اثبات نمی باشد؟

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۵- در ابتدای همین روایت خروج یمانی و سفیانی و خراسانی را در یک ساعت و یک ماه و یک روز ذکر می کند.

(نکته: مبلغین این فرقه اشکال مذکور را اینگونه توجیه می کنند که در امر سفیانی و خراسانی بدا حاصل شده، و این از سطحی ترین توجیهات این افراد می باشد، به دو دلیل: اولاً این که برای خدا بدا حاصل شده، به هیچ وجه قابل اثبات نیست و دوماً این که طبق نص روایت قرار بر این بود که پرچم یمانی در بین دو پرچم بر افراشته شده دیگر، هدایت کننده ترین باشد، و حال آنکه طبق نظر این فرقه آن دو پرچم به دلیل حصول بدا دیگر وجود نخواهند داشت، پس دیگر نیازی به پرچم یمانی نیست چون ضلالتی وجود ندارد!)
توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۷- یمانی و مهدی اول نمیتوانند یک نفر باشند به این دلیل که مهدی اول خود از اوصیاء وائمه می باشد و باید به سوی خودش دعوت کند.

توجیهاات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۶- یمانی باید به سوی صاحبش دعوت کند در حالی که احمد اسماعیل به سوی خودش دعوت می کند و خود را امام میدانند.
توجیهاات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



روایت

(لا يدعيه غير صاحبه)

محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن
ابن سنان، عن يحيى أخي أدیم، عن الوليد بن
صبيح قال سمعت أبا عبد الله يقول إن هذا
الأمر لا يدعيه غير صاحبه إلا بتر الله عمره.



۸- یمانی و مهدی اول نمیتوانند یک نفر
باشند به این دلیل که یمانی قبل از خروج
حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه می آید، اما مهدی اول
بعد از وفات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، وصی و
امام و مهدی می باشد.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



پاسخ های کوتاه به ادعاهای بزرگ احمد اسماعیل

۱- روایت از نظر مبانی رجالی ضعیف
می باشد.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱: ۴۴۴



روش استدلال احمدیون به این روایت

این امر را کسی به دروغ ادعا نمیکند مگر
این که عمرش کوتاه می شود و چون احمد
اسماعیل هنوز زنده است پس ادعای وی عین
حقیقت است!



۳- موارد متعددی در طول تاریخ ادعای رسالت یا امامت کرده اند که عمرشان کوتاه نشده است.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۲- از این روایت معلوم می شود که افراد متعددی به این وصیت احتجاج خواهند کرد و عمرشان کوتاه خواهد شد.

توضیح بیشتر: ادعای احمد اسماعیل این است که قبل از او، هیچ کس به این وصیت احتجاج نکرده است و هیچ کس دیگر هم احتجاج نخواهد کرد (الوصية المقدسة الكتاب العاصم من الضلال) در حالی که از این روایت فهمیده می شود که افراد متعددی به دروغ به این وصیت احتجاج خواهند کرد و عمر همه آنها کوتاه خواهد شد، و از آنجایی که کسی تا به حال به این وصیت احتجاج نکرده، پس مراد از (هذا الأمر) وصیت نیست.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۵- احمد اسماعيل به دليل ادعاى امامت
و مهدويت عمرش کوتاه شده و در سال ۲۰۰۸
کشته شده است.

توجيهات وارد شده از طرف احمديون:

۱:؟؟؟



۴- موارد متعددی در طول تاریخ ادعای
مهدویت کرده اند که عمرشان کوتاه نشده
است.

توجيهات وارد شده از طرف احمديون:

۱:؟؟؟



۷- تصویری از احمد اسماعیل موجود نیست تا معلوم شود صدای فعلی متعلق به کیست.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۶- جنازه احمد اسماعیل و اغلب کسانی که در آن آشوب شرکت کرده بودند در آتش سوخته است.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۸- دلیل قانع کننده ای وجود ندارد که ثابت کند صدای فعلی متعلق به همان احمد اسماعیل اصلی است.

توضیح بیشتر: ادعای مبلغین این فرقه این است که به دو دلیل معلوم می شود این صدا متعلق به شخص احمد اسماعیل است و در نتیجه او زنده است، اولاً شهادت برادرش که صدای برادرش را بهتر از دیگران تشخیص می دهد و ثانیاً صفحه فیسبوک که متعلق به احمد اسماعیل می باشد، و ثالثاً علمی که در صفحه فیسبوک در حال انتشار است علم امامت است، که این سه دلیل در نهایت ضعف می باشد زیرا اولاً در صحت ادعاهای خود احمد اسماعیل شک و شبهه وجود دارد تا چه رسد به برادرش! و ثانیاً نمیتوان با صفحه ای اینترنتی ثابت کرد فردی زنده است، و ثالثاً احمد اسماعیل تمام حرف



های خود را تا قبل از سال ۲۰۰۸ منتشر کرده بود و علم امامتش را ظاهر کرده بود و از آن تاریخ تا به امروز هرچه در این صفحه منتشر شده تکرار صحبت های پیشین می باشد اضافه بر این که در صحبت های پیشین وی نیز علم امامتی یافت نمی شود و اغلب دارای اشتباهات فاحش و تناقضات واضح می باشد!

توجهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۱۰- عدم تمسک به این وصیت تا به امروز بدلیل حق بودن احمد اسماعیل نیست. توضیح بیشتر: بلکه عدم طرح این روایت از سوی مدعیان مهدویت تا به امروز، به دلیل ضعیف بودن روایت و غیر مستند بودن آن بوده است، و کسی که با وجود اشکالات متعدد بر این روایت، به آن استدلال کند، به غیر از کم سوادى خود مطلبی را اثبات نخواهد کرد.)
توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:
۱:؟؟؟



۹- هیچ یک از مبلغین این فرقه هیچ عکس و فیلمی را در مورد احمد اسماعیل تایید نمیکنند تا بتوانند این فرقه را ادامه دار کنند.
توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:
۱:؟؟؟



حمرة الغائر العينين، المشرف الحاجبين،
العريض ما بين المنكبين، برأسه حزاز، بوجهه
أثر، رحم الله موسى.^(۱)

(۱) کتاب الغیة نویسنده: النعمانی، محمد بن ابراهیم



روایت (المشرب حمرة)

حدثنا أبو سليمان أحمد بن هوزة قال:
حدثنا إبراهيم بن إسحاق النهاوندي قال:
حدثنا عبد الله بن حماد الانصاري، قال:
حدثنا عبد الله بن بكير، عن حمران بن أعين
قال: قلت لأبي جعفر الباقر عليه السلام: جعلت فداك
إني قد دخلت المدينة وفي حقوي هميان فيه
ألف دينار، وقد أعطيت الله عهداً أننى انفقها
ببابك ديناراً ديناراً أو تجيئني فيما أسألك عنه،
فقال: يا حمران سل تجب، ولا تنفقن دنائرك،
فقلت: سألتك بقرابتك من رسول الله صلى الله عليه وآله أنت
صاحب هذا الامر والقائم به؟ قال: لا، قلت:
فمن هو بأبي أنت وامى، فقال: ذاك المشرب



پاسخ های کوتاه به ادعاهای بزرگ احمد اسماعیل

- ۱- ممکن است منظور از موسی در عبارت (رحم الله موسی) حضرت موسی بن جعفر علیه السلام باشد.
- توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:
- ۱:؟؟؟



روش استدلال احمدیون به این روایت



۲- حتی نزدیکترین یاران ائمه علیهم السلام نیز از وصیت مورد ادعای احمد اسماعیل اطلاعی نداشتند.

توضیح بیشتر: وصیتی که هزار و چهارصد سال از طرف هیچ یک از ائمه علیهم السلام به آن احتجاج نشده و فقط قائم قرار است به آن احتجاج کند، به چه دلیل پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را برای افراد زمان خود عاصم از ضلال معرفی فرمودند؟

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۳- این اوصاف برای شناخت قائم فرع بر دیدن قائم است نه احمد اسماعیل که هیچ تصویری ندارد.

توضیح بیشتر: اوصافی که برای شناخت قائم در این روایت بیان شده است به شرطی دارای فایده می باشد که بتوان قائم را دید و این اوصاف را با وی تطبیق داد اما مبلغین احمد اسماعیل حتی یک تصویر کوچک از این فرد نداشته و ندارند پس یا امام العیاذ بالله در ذکر این اوصاف کاری بیهوده انجام داده اند و یا احمد اسماعیل در مخفی کردن چهره خود در حال اشتباه می باشد.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۴- تفاوتی بین المشرب حمرة در این روایت با وصف ذکر شده در روایت مشابه وجود ندارد.

توضیح بیشتر: مبلغین این فرقه به دلیل وجود روایتی مشابه در اوصاف ظاهری قائم به این روایت استناد می کنند و تفاوت اوصاف قائم در این دو روایت را دلیل بر وجود دو قائم میدانند، در حالی که تفاوتی در معنای اوصاف ذکر شده در این دو روایت وجود ندارد هر چند از لحاظ ظاهری با هم متفاوت هستند زیرا مبلغین این فرقه المشرب الحمرة را به سبزه بودن پوست معنی کرده اند در حالی که با رجوع به لغت روشن می شود که المشرب الحمرة به معنای میل به سرخی در پوست در عین سفیدی آن می باشد که تناقضی با روایت دوم ندارد.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:



۱: ۴۴۴



۶- متن روایت مضطرب است به این دلیل
که امام از انفاق سائل در راه خدا منع فرموده
اند (لا تنفقن دنانیرک).

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۵- دلیل یقین آوری نداریم که (صاحب
هذا الأمر) در روایت فوق در مورد حضرت
مهدی باشد.

توضیح بیشتر: از نحوه سؤال سائل میتوان
برداشت کرد که ممکن است سؤال راوی در
مورد اتفاقی بوده باشد که در آن زمان رخ داده
و نه شخص حضرت قائم در آخر الزمان، زیرا
در برخی از روایات به ائمه علیهم السلام اطلاق صاحب
هذا الأمر والقائم به وجود دارد (و أنت علی
حمار و هو علی فرس و قد أشرف علیک
یکلمک کأنک تحته فقلت بینی و بین نفسي:
هذا حجة الله علی الخلق و صاحب هذا
الأمر الذي يقتدی به)

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



روش استدلال احمدیون به این روایت



روایت

(و من البصرة... أحمد)

وعن الصادق عليه السلام في خبر طويل سمى به
اصحاب القائم عليه السلام: (ومن البصرة، أحمد)^(۱)



۲- اگر متن کتاب بشارة الإسلام درست باشد عدد یاران قائم ۳۱۴ نفر می‌شود.
توجیهاات وارد شده از طرف احمدیون:
۱:؟؟؟



پاسخ های کوتاه به ادعاهای بزرگ احمد اسماعیل

۱- نام یاور قائم که از بصره می‌باشد احمد بن ملیح است نه احمد اسماعیل.
توضیح بیشتر: احمد اسماعیل در کتاب بیان الحق والسداد من الأعداد به ذکر نام احمد از بصره در این روایت تمسک کرده در حالی که متن اصلی این روایت در کتاب غایة المرام أحمد بن ملیح است.)
توجیهاات وارد شده از طرف احمدیون:
۱:؟؟؟



۴- این روایت که سه نفر از بصره نام
میرد، با روایت دیگر احمد اسماعیل که تنها
یک نفر از بصره می‌باشد، تعارض دارد.
توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:
۱:؟؟؟



۳- سند روایت از حیث اعتبار ضعیف بوده
و قابل تمسک نمی باشد.
توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:
۱:؟؟؟



۶- این افراد یاوران شخص قائم حضرت مهدی علیه السلام هستند نه یمانی یا مهدی اول یا احمد اسماعیل.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۵- ذکر نام احمد در کنار ۳۱۲ یار دیگر، به معنای یکی بودن رتبه‌ی این افراد می‌باشد، و معنی ندارد نام امام این افراد، بدون هیچ قید و توضیحی در مورد امامتش، در میان دیگر افراد ذکر شود.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



روایت

(اولهم من البصرة)

فقال عليه السلام: (ألا وإنَّ أولَّهم من البصرة وآخرهم
من الأبدال)^(۱)

(۱) مجمع النورين نویسنده: المرندي، الشيخ أبو
الحسن جلد: ۱ صفحه: ۳۳۱



۷- احمد اسماعیل ادعا دارد، که خودش
قائم و مهدی است، امّا در این صورت، نام
خودش در این روایت، در بین یاران خودش
ذکر شده است، یا للعجب!

توجیهاات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



پاسخ های کوتاه به ادعاهای بزرگ احمد اسماعیل

۱- ابن روایت تقطیع شده است به این
دلیل که تتمه‌ی روایت، نام کسانی را که از
بصره می‌باشند، به صراحت ذکر کرده است:
تتمه‌ی روایت:

(فقال ﷺ: ألا وإن أولهم من البصرة
وآخرهم من الأبدال، فأما الذين من البصرة،
فعلى محارب و طليق...)

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



روش استدلال احمدیون به این روایت



۳- ذکر نام احمد در کنار یاران دیگر، به معنای یکی بودن رتبه این افراد می باشد، و معنی ندارد نام امام این افراد بدون قیدی و توضیحی در میان دیگران ذکر شود.

توجیها ت وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۲- این روایت با روایت قبل در بیان اسماء یاوران از بصره متعارض است.

توجیها ت وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۵- احمد اسماعيل ادعا دارد كه خود قائم
و مهدى است كه در اينصورت نام خودش در
بين ياران خودش ذكر شده است!
توجيهات وارد شده از طرف احمديون:
۱:؟؟؟



۴- اين افراد ياوران شخص قائم يعنى
حضرت مهدى عجل الله فرجه هستند نه يمانى يا مهدى
اول يا احمد اسماعيل.
توجيهات وارد شده از طرف احمديون:
۱:؟؟؟



۱: ۴۴۴



۶- (محارب)، وصف (علی) نیست، زیرا
(علی) نامی معرفه است و صفتش باید با
(الف و لام) تعریف باشد.

توضیح بیشتر:

مبلغین این فرقه بعد از این که متوجه
شدند نام کسانی که از بصره می باشند در
همین روایت ذکر شده مجبور شدند برای
این نام توجیهاتی ذکر کنند و از جمله ی این
توجیهات واضحُ البطلان، این کلام است:
نام امام اول شیعه (علی) می باشد و از
آنجایی که تمام ائمه، به حضرت علی علیه السلام
تشبیه می شوند پس نام همه ی آنها (علی)
است و کلمه محارب نیز، وصف است برای
این نام، به معنای جنگجو، پس نام یاور
حضرت مهدی علیه السلام، (علی جنگجو) است که
بدون شک، همان احمد اسماعیل است!!!
توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:



۷- نام اولین کسی که بعد از ظهور به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه ایمان می آورد احمد است نه نام اولین نفر قبل از ظهور. توضیح بیشتر:

احمد اسماعیل در کتاب خود (بیان الحق والسداد) اعتراف می کند به این که: (وَأحمد هو إسم المهدي الأول ووصي الإمام المهدي، وأول المؤمنين بالإمام المهدي في بداية ظهوره، ورسول الإمام المهدي إلى الناس كافة)، در حالی که به اعتراف این فرقه، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، مسلماً هنوز ظهور نفرموده اند.)

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



روایت

(الَّذِي يَخْفَى فَأَحْمَد)

وعن الإمام الباقر انه قال: له اسمان (أي للقائم) اسم يخفى واسم يعلن، فأما الَّذِي يَخْفَى فَأَحْمَد وأما الَّذِي يعلن. (فمحمّد وأحمد هو اسم المهدي الأول، ومحمد اسم الإمام المهدي كما تبين من وصية رسول الله)^(۱).

(۱) بیان الحق والسداد من الأعداد: ج ۱ صفحه ۱۷.



روش استدلال احمدیون به این روایت



روایت کامل: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ
مُوسَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
إِسْمَاعِيلَ الْبَرْمَكِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ
مَالِكٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانٍ، عَنْ أَبِي الْجَارُودِ
زِيَادِ بْنِ الْمُنْذِرِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ
عَلِيِّ الْبَاقِرِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ
قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ - وَهُوَ
عَلَى الْمَنْبَرِ -: يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ وَلَدِي فِي آخِرِ
الزَّمانِ أبيضُ اللَّوْنِ، مشربٌ بالحمرة، مبدحُ
البطنِ عريضُ الفخذين، عظيمُ مشاشِ المنكبين
بظهره شامتان: شامةٌ على لونِ جلده وشامةٌ
على شبه شامةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، لَهُ
اسمان: اسمٌ يخفى واسمٌ يعلن، فَأَمَّا الَّذِي
يَخْفَى فَأَحْمَدُ وَأَمَّا الَّذِي يعلن فمُحَمَّدٌ، إِذَا
هَزَّ رَأْيَتَهُ أَضَاءَ لَهَا مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ،



پاسخ های کوتاه به ادعاهای بزرگ احمد اسماعیل

۱- روایت تقطیع شده و فقط به قسمت
(فَأَمَّا الَّذِي يَخْفَى فَأَحْمَد) استناد می شود،
چون صدر روایت بر ضد ادعایشان حکم
می کند.

توضیح بیشتر: احمد اسماعیل به این
روایت به صورت نیمه کاره استناد می کند و
صدر روایت را که به سودش نمیباشد حذف
می کند، در حالی که در صدر روایت اوصاف
ظاهری حضرت مهدی علیه السلام ذکر شده و بلا
فاصله دو نام برای حضرت ذکر شده و بعد
از آن اوصاف مختص به قیام آن حضرت ذکر
می شود، و این مطالب از صدر تا ذیل متناقض



ووضع یده علی رؤوس العباد فلا یبقی مؤمن
إِلَّا صار قلبه أَشَدَّ مِنْ زَبَرِ الْحَدِيدِ، وَاَعْطَاهُ اللَّهُ
تَعَالَى قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا، وَلَا یَبْقَى مِيتَ إِلَّا
دَخَلَتْ عَلَيْهِ تِلْكَ الْفَرَحَةُ [فِي قَلْبِهِ] وَهُوَ فِي
قَبْرِهِ، وَهُمْ يَتَزَاوَرُونَ فِي قُبُورِهِمْ، وَيَتَبَاشَرُونَ
بِقِيَامِ الْقَائِمِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ^(۱).

(۱) کمال الدین وتمام النعمة نویسنده: الشیخ
الصدوق جلد: ۱ صفحه: ۶۵۳.



۲- طبق این روایت باید احمد مخفی و محمد ظاهر باشد نه این که احمد اسماعیل ظاهر و محمد یعنی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه مخفی باشند.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



با دیگر ادعاهای احمد اسماعیل می باشد، که اوصاف خود را مخالف با این اوصاف ذکر کرده است.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۴- طبق نص روایت، قائم در آخر الزمان با خروج شناخته می‌شود در حالی که مدعیان این فرقه خروج احمد اسماعیل را تکذیب می‌کنند.

توضیح بیشتر: مدعیان و مبلغین این فرقه به دلیل توجیه روایات متعارض در مجامع حدیثی شیعه که خروج یمانی را همراه با خروج سفیانی و خراسانی میدانند و بسیاری روایات دیگر که وصف خروج را شرط قیام قائم میدانند، قائل به عدم خروج احمد اسماعیل شده‌اند.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱: ۴۴۴؟



۳- در روایت از اوصاف قائم پوست سفید ایشان می‌باشد در حالی که احمد اسماعیل از جنوب بصره و دارای پوستی نزدیک به سیاهی است.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱: ۴۴۴؟



۶- با قبول این روایت ادعای امام دوازدهم بودن از طرف احمد اسماعیل ابداً دور از انتظار نیست، مانند علی محمد باب رهبر فرقه بابیه دیروز و بهائیه امروز.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۵- طبق نص روایت نام احمد باید مخفی بماند پس تبلیغ برای وی نیز حرام می باشد. توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۸- با تطبیق این روایت بر احمد اسماعیل، دیگر اساساً نیازی به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه باقی نمیماند.

توضیح بیشتر: طبق ادعای مدعیان این فرقه، احمد اسماعیل بر سر عباد دست می‌کشد و هیچ مومنی نمیماند مگر این که قلبش از ایمان مانند آهن سخت می‌شود، که در این صورت نیازی به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و قوی تر کردن ایمان مومنین وجود نخواهد داشت.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۷- مستفاد از روایات متفاوت بودن پرچم یمانی با پرچم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه می‌باشد.

توضیح بیشتر:

در حالی که با قبول این روایت، پرچم یمانی و پرچم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه یک پرچم می‌باشد.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۹- طبق نص این روایت و روایات متعدد متواتر دیگر، ایمان به قائم برای مومنین بوسیله معجزه می‌باشد و اساساً نیازی به این تبلیغ‌ها وجود ندارد.

توضیح بیشتر: روایت تصریح می‌کند که: قائم در هنگام خروج خود بر سر تمام عباد دست می‌کشد و مأمنین به یکباره ایمانشان مانند آهن قوی می‌شود، و بدنهایشان مانند چهل مرد قوی می‌شود، نه این که مانند احمد اسماعیل با یک صفحه فیسبوک، بیست سال التماس کند و در آخر ۳۱۳ نفر هم ایمان نیاورند، گذشته از اینکه اکثریت قریب به اتفاق آنان نیز، افرادی کم سواد یا بی سواد یا دارای مشکلات اخلاقی و اجتماعی متعدد می‌باشند، و یا فریب اموال و جاه و مقام را خورده اند.)

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۱۰- اوصاف ذکر شده در این روایت برای قائم با اوصاف ادعا شده برای احمد اسماعیل ابداً مطابقت ندارند.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



روایت

(شعارهم احمد احمد)

عن الإمام الباقر عليه السلام، قال: إن لله تعالى كنزاً بالطالقان ليس بذهب ولا فضة، اثنا عشر ألفاً بخراسان شعارهم: أحمد أحمد، يقودهم شاب من بني هاشم على بغلة شهباء، عليه عصا بة حمراء، كأني أنظر إليه عابر الفرات، فإذا سمعتم بذلك فسارعوا إليه ولو حبواً على الثلج ^{(۱)(۲)}.

(۱) منتخب الأنوار المضيئة: ص ۳۴۳.

(۲) بيان الحق والسداد من الأعداد: ج ۱ ص ۱۷.



۱۱- کسانی که احمد اسماعیل بر سرشان دست بکشد، ایمانشان کامل می شود و نباید منحرف شوند.

توضیح بیشتر: یکی از کسانی که از بنیانگذاران این فرقه به همراه احمد اسماعیل بود فردی به نام حیدر مشتم می باشد که بعد از مدتی خود ادعای یمانیت و امامت کرده و احمد اسماعیل را به شدت تکذیب کرد، در حالی که اگر احمد اسماعیل بر سرش دست کشیده بود و ایمانش کامل شده بود، انحراف در عقایدش معنایی نداشت.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



پاسخ های کوتاه به ادعاهای بزرگ احمد اسماعیل

۱- شعارهم احمد احمد در روایت اصلی وجود ندارد.

توضیح بیشتر: نویسنده ی منتخب انوار المضيئه كتاب الانوار المضيئه نیلی را مختصر کرده است در حالی که در کتاب دیگر نیلی به نام سرور اهل ایمان، این عبارت به صورت شعارهم یا لشارات الحسین ع آمده است و نه به صورت شعارهم احمد احمد، و مسلماً کتاب اصلی بر کتاب ملخص ارجحیت دارد.)
توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



روش استدلال احمدیون به این روایت



۳- شعارهم احمد احمد در هیچ منبع دیگری غیر از منتخب وجود ندارد، در حالی که تمام کتب متقدم بر منتخب عبارت یا لشارات الحسین را نقل کرده اند.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۲- اظهار شعار احمد احمد توسط دوازده هزار نفر با روایت قبل که دلالت بر مخفی بودن نام احمد دارد تعارض صریح دارد. توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۵- در بی سوادى احمد اسماعيل تمسك
به همين يك روايت به صورت غلط كفايت
مى كند.

توجيهات وارد شده از طرف احمديون:

۱:؟؟؟



۴- نويسنده كتاب منتخب انوارالمضيئه
مشخص نيست.

توجيهات وارد شده از طرف احمديون:

۱:؟؟؟



۷- مبلغین این فرقه ادعا می‌کنند که در
امر خراسانی و سفیانی بدا حاصل شده، پس
کسی از خراسان نمی‌آید.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۶- دلیلی بر این که این گروه همان گروه
خراسانی باشند وجود ندارد.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۹- طبق نص روایت احمد اسماعیل باید

سوار بر شتر ظهور می کرد.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۸- طبق نص روایت امام و پرچمدار این

جماعت باید از طالقان ظهور کنند نه از بصره.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



روش استدلال احمديون به اين روايت



روایت

(الأوصياء من عترته)

وفي دعاء اليوم الثالث من شعبان (يوم ولادة الإمام الحسين) الذي ورد عن الإمام المهدي: اللهم إني أسألك بحق المولود في هذا اليوم... المعوض من قتله أن الأئمة من نسله، والشفاء في تربته والفوز معه في أوبته، والأوصياء من عترته بعد قائمهم وغيبته، حتى يدركوا الأوتار ويثأروا الثار ويرضوا الجبار ويكونوا خير أنصار، صلى الله عليهم مع اختلاف الليل والنهار، اللهم فبحقهم إليك أتوسل^(۱).

(۱) مصباح المتعجد: ص ۸۲۶ (بيان الحق والسداد



۲- در این روایت دلیلی بر فرزند امام
مهدی بودن اوصیاء وجود ندارد.
توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:
۱:؟؟؟



پاسخ های کوتاه به ادعاهای بزرگ
احمد اسماعیل

۱- روایت تصریح بر ظهور اوصیاء بعد از
قیام قائم و بعد از غیبت دارد.
توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:
۱:؟؟؟



۴- اوصیاء در این روایت انصار امام هستند
و نه خود امام، در حالی که احمد اسماعیل
خود ادعای امامت دارد.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۳- مرجع ضمیر در عترته شخص امام
حسین می باشد نه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، و
شامل تمام سادات می شود.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۶- به دلیل عبارت (حتی یدرکوا الأوتار
ویشأروا الثار) این روایت به زمان رجعت
اشاره دارد نه به زمان ظهور یا قبل از ظهور.
توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۵- به دلیل عبارت (والفوز معه في أوبته)
این روایت به زمان رجعت اشاره دارد نه به
زمان ظهور یا قبل از ظهور.
توضیح بیشتر: معنای این فراز (پیروزی
همراه شخص امام حسین علیه السلام در
رجعت) می باشد.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۸- منظور از اوصیاء در این روایت همان
ائمه دوازده گانه علیهم السلام بعد از رجعت
می باشد.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۷- به دلیل عبارت (ویرضوا الجبار) این
روایت به زمان رجعت اشاره دارد نه به زمان
ظهور یا قبل از ظهور.

توضیح بیشتر: خدای متعال وقتی در مورد
ظلم به اهل بیت راضی می شود که انتقام آن
ظلمها به صورت کامل گرفته شود و این امر
بعد از رجعت و قضایای مربوط به آن محقق
می شود، در حالی که اگر خدای متعال قبل
از رجعت راضی شود، دیگر مسلماً نیازی به
رجعت برای انتقام وجود ندارد.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



روایت (خاملاً اصله)

وقال عليه السلام: لا بد من رحى تطحن، فإذا قامت على قطبها وثبتت على ساقها بعث الله عليها عبداً عنيفاً خاملاً أصله، يكون النصر معه، أصحابه الطويلة شعورهم، أصحاب السبال، سود ثيابهم، أصحاب رايات سود، ويل لمن ناواهم، يقتلونهم هرجاً، والله لكأنى أنظر إليهم وإلى أفعالهم وما يلقى الفجار منهم والاعراب الجفاة يسلمهم الله عليهم بلا رحمة، فيقتلونهم هرجاً على مدينتهم بشاطئ الفرات البرية والبحرية، جزاء بما عملوا، وما ربك بظلام للعبيد^(۱).

(۱) کتاب الغيبة نویسنده: النعمانی، محمد بن ابراهیم



روش استدلال احمدیون به این روایت

احمد اسماعیل ادعا دارد که عبارت (خاملاً اصله) به معنای مجهول النسب می باشد و به همین دلیل وی نسبش از جد پنجم تا حضرت مهدی علیه السلام مجهول می باشد.



۲- این روایت در مورد کسی است که
پرچمش سیاه است اما یقیناً پرچم احمد
اسماعیل سفید است.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



پاسخ های کوتاه به ادعاهای بزرگ

احمد اسماعیل

۱- این روایت در مذمت فردی است که
بی اصل و نسب است نه در مورد مدح وی.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۴- طبق این روایت یاران احمد اسماعیل
باید دارای موی بلند و سبیل های پرپشت
باشند.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۳- این روایت در مورد کسی است که
لباس تمام یارانش سیاه است در حالی که
یاران احمد اسماعیل اینگونه نیستند.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۶- طبق این روایت باید اصل و نسب
احمد اسماعیل گمنام باشد در حالی که او
خود را از سادات و پسر حضرت مهدی و از
ذریه حضرت زهرا میدانند؟

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۵- طبق عبارت (یقتلونهم هرجاً) یاران
احمد اسماعیل بی دلیل و قانون آدمکشی
می کنند .

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۸- طبق این روایت احمد اسماعیل و
افرادش افرادی ظالم هستند اما این ظلم از
طرف خدا نبوده و به سبب اعمال اعراب
می باشد.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۷- سند این روایت ضعیف می باشد.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۱۰- طبق این روایت احمد اسماعیل باید هنگام ظهور خود کشتار راه بیاندازد نه این که بیست سال پنهان شود.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۹- طبق عبارت (عبداً عنیفاً) احمد اسماعیل فردی قسی القلب بوده که رحم در او راه ندارد، چرا که عنف عبارت دیگر ارباب می باشد.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۱۲- طبق این روایت احمد اسماعیل و یارانش نباید در هیچ نبردی شکست بخورند در حالی که به شهادت تاریخ در درگیری سال ۲۰۰۸ شکست سختی از نیروهای امنیتی عراق خوردند.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۱۱- اساساً دلیلی وجود ندارد که این روایت در مورد یمانی و اصحاب وی باشد. توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



روش استدلال احمدیون به این روایت



روایت

(ولی لاوامر مولاه)

أحمد بن إدريس، عن علي بن محمد، عن الفضل بن شاذان، عن عبد الله بن جبلة، عن عبد الله بن المستنير، عن المفضل بن عمر قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: إن لصاحب هذا الأمر غيبتين إحداهما تطول حتى يقول بعضهم: مات، ويقول بعضهم: قتل، ويقول بعضهم: ذهب، حتى لا يبقى على أمره من أصحابه إلا نفر يسير، لا يطلع على موضعه أحد من ولده ولا غيره إلا المولى الذي يلي أمره^(۱).

(۱) الغيبة نویسنده: الشيخ الطوسي جلد: ۱ صفحه:



۲- قبل از احمد اسماعیل و در این هزار و چند صد سال ولی امر حضرت مهدی عج چه کسی بوده است؟
توضیح بیشتر: اگر ولی لازم نداشته اند، چه لزومی دارد که امروز ولی بخواهند، و اگر ولی لازم داشته اند، در این مدت چه کسی ولی امور ایشان بوده است؟
توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:
۱:؟؟؟



پاسخ های کوتاه به ادعاهای بزرگ احمد اسماعیل

۱- سند روایت به دلیل وجود (عبد الله بن المستنیر) ضعیف بوده و در مسائل اعتقادی غیر قابل تمسک می باشد.
توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:
۱:؟؟؟



۴- حضرت مهدی در این هزار و چند صد سال چه اوامری داشتند که باید اولیا انجام داده باشند؟

آیا پدر احمد اسماعیل هم که به امام خود از نظر نسبی نزدیکتر است ولی اوامر ایشان بوده است؟

توجیہات وارد شدہ از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۳- طبق نص روایت ولی امور حضرت مهدی عج باید از موضع و جایگاه حضرت مهدی عج مطلع باشند.

توضیح بیشتر: طبق ادعای احمد اسماعیل، خلافتش در خواب به وی ابلاغ شده و او خود بارها تصریح کرده که از مکان فعلی حضرت مهدی عج اطلاعی ندارد و ارتباط مستقیم با ایشان به غیر از عالم خواب ندارد.

توجیہات وارد شدہ از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۶- حمل ولی امور حضرت مهدی علیه السلام بر خلیفہ و فرزند و یمانی و مهدی اول و... بدون دلیل و مدرک و خلاف ظاهر می باشد.

توجیہات وارد شدہ از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۵- طبق نص روایت هیچ یک از فرزندان حضرت مهدی علیه السلام از جایگاه ایشان اطلاعی ندارند.

توضیح بیشتر: (لا یطلع علی موضعه أحد من ولده) طبق این عبارت هیچ یک از فرزندان صاحب الامر از جایگاه ایشان اطلاعی نخواهند داشت، و لفظ (إلا المولی) استثنای از (غیرہ) است نہ از (ولده).

توجیہات وارد شدہ از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۸- طبق نص روایت غیبت آنقدر طولانی می شود که بعضی میگویند حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه کشته شده است در حالی که از ابتدای غیبت تا امروز احدی قائل به این قول نشده است.

توجیہات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۷- در بسیاری از روایات دیگر تعبیری
امرہ در مورد خادمان ائمہ علیہم السلام بکار
برده شده است.

توجیہات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



روایت

(أنا عبد الله اسمي إسرائيل)

عن أبي داود عمن سمع من رسول الله
صلى الله عليه وآله يقول: (أَنَا عَبْدُ اللَّهِ
اسْمِي أَحْمَدُ، وَأَنَا عَبْدُ اللَّهِ اسْمِي إِسْرَائِيلُ، فَمَا
أَمْرُهُ فَقَدْ أَمَرَنِي، وَمَا عَنَاهُ فَقَدْ عَنَانِي)^(۱).

(۱) تفسیر العیاشی نویسنده: العیاشی، محمد بن
مسعود جلد: ۱ صفحه: ۴۴.



۹- در بسیاری از منابع و کتب روایی عبارت
(أحد من ولده) وجود ندارد.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



پاسخ های کوتاه به ادعاهای بزرگ
احمد اسماعیل

۱- روایت مرسله می باشد.
توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:
۱: ۴۴۴



روش استدلال احمدیون به این روایت



۳- عبد الله در این روایت اسمی از اسامی رسول الله و علم برای ایشان نیست.

توضیح بیشتر: در این روایت کلمه عبد الله، به معنای صفتی آن یعنی بنده خدا بودن استفاده شده در حالی که احمد اسماعیل از آن برداشت اسم بودن کرده است و به همین وجه استدلال کرده است که از آنجایی که شیعیان مرا اسرائیلی میخوانند، پس یکی از نامهای من عبد الله است!

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۲- طبق خبر نجاشی، عیاشی از روات ضعیف نقل روایت می کند.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۴- در این روایت نام حضرت رسول اسرائیل است نه اسرائیلی.

توضیح بیشتر: احمد اسماعیل به دلیل استفاده از نماد اسرائیلیان یهودی یعنی ستاره شش گوشه داوود، در بین شیعه به مدعی اسرائیلی معروف شده است، و از آنجایی که احمد اسماعیل طبق نص وصیت به دو اسم دیگر در کنار نام احمد نیاز داشته، از لقب اسرائیلی برای خود نام عبد الله را ثابت کرده است!!! حال آنکه طبق این روایت یکی از نامهای نام احمد باید اسرائیل باشد نه اسرائیلی.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



روایت (خلیفة المهدی)

قال رسول الله ﷺ (... ثم ذكر شاباً، فقال إذا رأيتموه فبايعوه فانه خلیفة المهدی) (۱).

متن اصلی روایت در کتب اهل سنت:

(يُقْتَلُ عِنْدَ كَنْزِكُمْ ثَلَاثَةٌ، كُلُّهُمْ ابْنُ خَلِيفَةٍ، ثُمَّ لَا يَصِيرُ إِلَى وَاحِدٍ مِنْهُمْ، ثُمَّ تَطْلُعُ الرَّايَاتُ السُّودُ مِنْ قَبْلِ الْمَشْرِقِ فَيَقْتُلُونَكُمْ قَتْلًا لَمْ يُقْتَلْهُ قَوْمٌ - ثُمَّ ذَكَرَ شَيْئًا لَا أَحْفَظُهُ - فَقَالَ: فَإِذَا رَأَيْتُمُوهُ فَبَايِعُوهُ وَلَوْ حَبَوًّا عَلَى الثَّلَجِ، فَإِنَّهُ خَلِيفَةُ اللَّهِ الْمُهْدِي) (۲).

(۱) بشارة الإسلام ص ۳۰.

(۲) الراوي: ثوبان مولى رسول الله المحدث: البزار

- المصدر: البحر الزخار - الصفحة أو الرقم: ۱۰ / ۱۰۰.



پاسخ های کوتاه به ادعاهای بزرگ احمد اسماعیل

۱- این روایت در تمام نسخ خطی کتاب
بشارة الإسلام و در معظم کتب چاپی آن به
صورت (خليفة الله المهدي) آمده است.
توضیح بیشتر: یکی از اشتباهات فاحش
احمد اسماعیل در تمسک به روایات، نقل
همین روایت از چاپی تحقیق نشده از کتاب
بشارة الإسلام می باشد، در حالی که با رجوع
به تمام نسخ خطی موجود از این کتاب،
روایت خلاف متنی است که احمد اسماعیل
به آن تمسک کرده است.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



روش استدلال احمدیون به این روایت

رواه ابن ماجه في « السنن » (رقم / ٤٠٨٤)، والبخار في
« المسند » (٢ / ١٢٠)، والرويانى (رقم / ٦١٩)، والحاكم
في « المستدرک » (٤ / ٥١٠)، ومن طريقه البيهقي في
دلائل النبوة « (٦ / ٥١٥).



۳- این روایت فقط در کتاب بشارة الإسلام
با این لفظ ذکر شده است، و نویسنده این
کتاب از اساس فردی مجهول الهویه می باشد.
توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:
۱:؟؟؟



۲- سند این روایت نزد شیعه ضعیف بوده
و قابل تمسک نمیباشد.
توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:
۱:؟؟؟



۵- طبق عبارت (إذا رأیتموه فبایعوه) بیعت فرع بر رؤیت می باشد در حالی که دیدار احمد اسماعیل برای اخص خواص و حتی برای برادرش نیز ممکن و میسر نیست. توجیها ت وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۴- این روایت توسط احمد اسماعیل تقطیع شده است.

توضیح بیشتر: با توجه به صدر و ذیل روایت، روشن می شود که این روایت در مورد اتمام غیبت کبری و ظهور حضرت مهدی علیه السلام می باشد و قابل انطباق بر یمانی یا مهدی اول یا... نیست.)

توجیها ت وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



روایات (علم امامت)

۱- عن الحرث بن المغيرة قال قلت لأبي عبد الله عليه السلام بم يعرف صاحب هذا الأمر؟ قال (بالسكينة والوقار والعلم والوصية)^(۱).

۲- عن المفضل بن عمر قال سمعت أبا عبد الله ع يقول: (إن لصاحب هذا الأمر غيبتين يرجع في إحداهما إلى أهله والأخرى يقال هلك في أي واد سلك قلت كيف نصنع إذا كان ذلك قال إن ادعى مدع فاسألوه عن

(۱) بصائر الدرجات- محمد بن الحسن الصفار ص



تلك العظام التي يجيب فيها مثله)^(۱).

۳- ورد عن الإمام المهدي عليه السلام توقيعاً بخصوص أحد مدعي السفارة فيه: (... وقد ادعى هذا المبطل على الله الكذب... فما يعلم حقاً من باطل، ولا محكم من متشابه... الى أن يقول: فالتمس تولى الله توفيقك من هذا ما ذكرت لك وامتحنه، واسأله عن آية من كتاب الله يفسرها)^(۲).

۴- عن عبد الأعلى قال: (قلت لأبي عبد الله المتوثب على هذا الامر المدعي له، ما الحجة عليه؟ قال: يسأل عن الحلال والحرام)^(۳).

۵- عن الحرث بن المغيرة النصري قلت

(۱) غيبة النعماني ص ۱۷۳.

(۲) إلزام الناصب / ج ۱: ۱۸۷.

(۳) الكافي ج ۱ ص ۲۸۴.



روش استدلال احمدیون به این روایات



لأبي عبد الله عليه السلام: بأي شيء يعرف القائم عليه السلام؟
قال عليه السلام: (بالسكينة والوقار. قلت: و بأي شيء؟ قال: تعرفه بالحلال والحرام، وبحاجة الناس إليه ولا يحتاج إلى أحد. ويكون عنده سلاح رسول الله ﷺ قلت: أكون إلا وصي بن وصي. قال لا يكون إلا وصي وبن وصي)^(۱).

(۱) الغيبة للنعماني ص ۲۵۰.



۲- تناقضات در کتب احمد اسماعیل بسیار
متعدد و خارج از شمارش می باشد که نشانه
جهل وی می باشد.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



پاسخ های کوتاه به ادعاهای بزرگ

احمد اسماعیل

۱- علم احمد اسماعیل به هیچ وجه قابل
اثبات نیست.

توضیح بیشتر: بزرگترین ادعای احمد
اسماعیل در مورد اثبات علم خود، افشا کردن
محل دفن حضرت فاطمه زهراء می باشد که
به هیچ وجه قابل اثبات نیست، در حالی که
علم امام باید قابل اثبات باشد، و تمسک به
مسائلی که به هیچ نحوی قابل رد یا اثبات
نیستند فریبکاری و حيله گری بچه گانه
می باشد.)

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۴- اشتباهات تایپی احمد اسماعیل در متون کوتاه تایپ شده از طرف خودش در صفحه فیسبوکش، بسیار متعدد می باشد، که بهترین نشانه برای جهل و عدم اطلاع وی از ادبیات عربی و حتی قواعد صحیح تایپ می باشد. توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۳- اشتباهات احمد اسماعیل حتی در نقل روایات متعدد می باشد، که نشانه جهل وی می باشد.

اشتباهات احمد اسماعیل در گفتار بسیار متعدد و غیر قابل شمارش می باشد، که نشانه جهل وی می باشد.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۶- احمد اسماعیل به بسیاری از سوالات پاسخ چند وجهی و غیر صریح می‌دهد تا همیشه راه فراری داشته باشد.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۵- در بسیاری از موارد علومی که احمد اسماعیل مدّعی ابداع و نوآوری در آنها می‌باشد، از منابع مختلف قدیمی تر سرقت شده است.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۸- تمام علوم منتسب به احمد اسماعیل،
ظنیات یا وهمیات شخصی می باشد، نه
قطعیاتی که بتوان نام آن را علم گذاشت.
توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:
۱:؟؟؟



۷- بسیاری از سوالات علما و بزرگان،
توسط احمد اسماعیل بدون پاسخ مانده
است.
توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:
۱:؟؟؟



۱۰- تمام روایات فوق صریحاً در مورد

حضرت مهدی علیه السلام می باشند نه یمانی و

مهدی اول و احمد اسماعیل و...

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۹- علم در این روایات مسلماً شامل

علوم غیبی نیز می شود، در حالی که احمد

اسماعیل از پاسخ به امور غیبی در مورد آینده

عاجز می باشد.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۱۲- روایت سوم در مورد مدعی سفارت
است نه مدعی امامت.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۱۱- در روایت دوم تصریح می شود که از
مدعی قائمی که دو غیبت دارد در مورد علمش
سوال کنید در حالی که احمد اسماعیل یک
غیبت هم نداشته!

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۱۴- طبق روایت پنجم احمد اسماعیل
نباید محتاج به کسی باشد (ولا يحتاج إلى
أحد)، در حالی که وی بارها از مبلغین خود
درخواست تبلیغ امرش را کرده است.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۱۳- طبق روایت چهارم هر کس که حلال
و حرام را بداند امامتش ثابت می شود، که
در این صورت عدد ائمه از هزاران نفر بیشتر
می شود!

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



روایت (عهد نبی الله)

عن الباقر عليه السلام قال: (... ما أشكل عليكم فلم يشكل عليكم عهد نبي الله صلى الله عليه وآله ورأيت سلاحه.... وإياك وشذاذ من آل محمد عليهم السلام فان لآل محمد وعلي راية ولغيرهم رايات فالزم الارض ولا تتبع منهم رجلا أبدا حتى ترى رجلا من ولد الحسين، معه عهد نبي الله ورأيت سلاحه...) (۱).

(۱) بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۲۲۳.



۱۵- طبق نص روایت پنجم، سلاح و علم دو نشانه جداگانه هستند، در حالی که طبق ادعای احمد اسماعیل، سلاح رسول الله همان علم وی می باشد.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



پاسخ های کوتاه به ادعاهای بزرگ احمد اسماعیل

۱- این روایت به صورت مفصل در مورد
علائم خروج حضرت مهدی علیه السلام صحبت
می کند و اصلاً ارتباطی به یمانی ندارد.
توضیح بیشتر: این مورد از مواردیست که
احمد اسماعیل به وضوح روایت مربوط به
خروج و قیام حضرت مهدی علیه السلام را تقطیع
کرده و فقط به قسمتی که مورد نیازش بوده
استناد می کند، در حالی که با مشاهده متن
کامل روایت، متوجه می شویم که این حدیث
به صراحت علائم متعدد خروج حضرت
مهدی علیه السلام را بیان می کند که تماماً با وقایع
زمان خروج احمد اسماعیل مخالفت دارد.)



روش استدلال احمدیون به این روایت



۲- در تتمه این روایت میخوانیم: فان
اشکل علیکم هذا فلا یشکل علیکم الصوت
من السماء باسمه وأمره، که به روشنی بیان
می‌کند ممکن است در این سه مورد نیز
شبهه و اشکال بوجود بیاید.

توجیحات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



توجیحات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۴- مسلماً پرچم پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله، البیعة لله نبوده است.

توجیحات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۳- احمد اسماعیل به اعتراف صریح خودش، خاملاً اصله (بی اصل و نسب) است پس نمی توان ثابت کرد از اولاد امام حسین علیه السلام می باشد.

توجیحات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۶- سلاح رسول الله اخلاق بوده نه علم ایشان.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۵- سلاح رسول الله صریح در سلاح جنگی است و حمل آن بر علم بدون دلیل و غیر قابل قبول می باشد.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۷- شاید عهد نبی الله قرآن باشد نه وصیت، مانند عهد حضرت موسی و عهد حضرت عیسی که معروف به عهد قدیم و عهد جدید می باشد، و تابوت عهد که به دلیل وجود الواح مقدسه به این نام شناخته می شود.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



روایات رؤیا

۱- عن الحضرمي قال دخلت أنا وأبان على ابي عبد الله عليه السلام وذلك حين ظهرت الرايات السود بخراسان وقلنا ما ترى فقال (اجلسوا في بيوتكم فإذا رأيتمونا اجتمعنا على رجل فانهدوا إلينا بالسلاح) ^(۱).

۲- عن عبد الله بن عجلان قال: ذكرنا خروج القائم عليه السلام عند أبي عبد الله عليه السلام فقلت: كيف لنا نعلم ذلك؟ فقال عليه السلام: يصبح أحدكم وتحت رأسه صحيفة عليها مكتوب: طاعة معروفة (اسمعوا وأطيعوا) ^(۲).

(۱) غيبة النعماني ۱۹۷.

(۲) منتخب الأنوار المضيئة للسيد بهاء الدين النجفي



روش استدلال احمدیون به این روایات



۳- عن أبي الجارود قال قلت لأبي جعفر عليه السلام: (إذا مضى الإمام القائم من أهل البيت فبأي شيء يعرف من يجيء بعده قال بالهدى والإطراق وإقرار آل محمد له بالفضل ولا يسأل عن شيء بين صدفها إلا أجاب) ^(۱).

ص ۳۱۱ / کمال الدین ص ۶۵۴ ..

(۱) غیبة النعمانی ص ۲۴۲.



۲- بسیاری از افراد در خواب تکذیب احمد اسماعیل را توسط ائمه علیهم السلام مشاهده کرده اند.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



پاسخ های کوتاه به ادعاهای بزرگ

احمد اسماعیل

۱- بسیاری از افرادی که میل به دیدن رؤیا داشته اند اصلاً خوابی ندیده اند.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۴- خواب دیدن مربوط به کسی است که
امام را از قبل دیده باشد و بشناسد.
توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:
۱:؟؟؟



۳- شخص احمد اسماعیل ماجرای خواب
دیدن حیدر مشقت و بشارت به یمانی بودن
وی توسط حضرت زهرا س را شیطانی میدانند.
توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:
۱:؟؟؟



۵- کسی که سه روز فقط به آب فکر کند قطعاً بارها خواب دریا ببیند.

توضیح بیشتر: شخصی طلب دیدار امام صادق در رؤیا را داشت حضرت به وی فرمودند سه روز آب نخور، روز سوم آن شخص به دیدار حضرت آمده و عرضه داشتند که فقط خواب آب را در این سه روز میدیدند، احمد اسماعیل نیز از همین ترفند استفاده کرده و به کسانی که میخواهند خواب ببینند تاکید می کند که باید سه روز روزه بگیرند، غافل از این که کسی که سه روز روزه بگیرد و در طول این سه روز به موضوعی مشخص فکر کند، به احتمال زیاد همان مطلب را در خواب خواهد دید، و این ارتباطی به الهام ندارد، بلکه الهام آن است که فردی بدون شنیدن ادعای فردی به یمانیت، بشارت به وی را در خواب ببیند، که مسلماً این کار از عهده احمد



اسماعیل خارج است، در حالی که روایاتی که در آنها افرادی بوسیله دیدن خوابی هدایت شده اند، تماماً بدون مقدمه و بدون فکر قبلی به موضوع بوده است.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۶- بسیاری از اهل سنت حضرت رسول را در خواب دیده اند که شهادت به حقانیت آنان داده است.

توضیح بیشتر: نه تنها اهل سنت، بلکه بسیاری از یهودیان و مسیحیان نیز پیامبر خود را در رؤیا مشاهده کرده اند که بر حقانیت مذاهبشان تاکید می کنند، و اگر اهل سنت رسول خدا را نمی بینند بلکه امر بر آنان مشتبّه شده، قطعاً احتمال مشتبّه شدن امر برای پیروان یمانی نیز وجود دارد، و اگر خدا بدینوسیله قصد به اشتباه انداختن اهل سنت را به دلیل مصالحی داشته است، پس قطعاً همین احتمال در مورد اصحاب یمانی نیز وجود دارد.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۷- خواب دیدن حکم فقهی را ثابت نمیکند چه برسد به حکم اعتقادی.

توضیح بیشتر: قطعاً بوسیله خواب نمیتوان حلالی را حرام و یا حرامی را حلال کرد اگر چه شیطانی به صورت اهل بیت ع به آن امر کند، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: « ما تروي هذه الناصبة؟ فقلت جعلت فداك فيماذا؟ فقال في أذانهم وركوعهم وسجودهم. فقلت إنهم يقولون إن أبي بن كعب رآه في النوم فقال كذبوا فإن دين الله أعز من أن يرى في النوم. »

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۹- روایات متعددی وجود دارد که افرادی در زمان حضور ائمه خواب پدرانشان یا رسول الله ص را میدیدند و ائمه به شدت آنان را تکذیب می کردند.

(نمونه: عن حماد بن عثمان بن زرارة قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: ((أخبرني عن حمزة أ يزعم أن أبي آتیه؟ قلت: نعم. قال: كذب والله ما يأتیه إلا المتكون، إن إبليس سلط شيطاناً يقال له المتكون يأتي الناس في أي صورة شاء، إن شاء في صورة صغيرة وإن شاء في صورة كبيرة ولا والله ما يستطيع أن يجئ في صورة أبي عليه السلام)) [رجال الكشي]، این روایت صریح در این مطلب است که شیطانی شبیه به امام بر افراد ظاهر می شود و امر را بر خواب دیده مشتبه می کند.)

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۸- خواب دیدن قطعاً برای غیر معصوم حجّیت شرعی ندارد.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۱۰- حضرت قائم باید فقط بوسیله وصیت و سلاح و پرچم شناخته شوند و اساساً نیازی به خواب دیدن نیست.

توضیح بیشتر: از آنجایی که احمد اسماعیل اثبات امامت خودش را موکول به رؤیا و استخاره کرده است، روشن می شود که وصیت و پرچم و سلاح به تنهایی امامت وی را ثابت نکرده اند، و همین باعث بطلان ادعای وی می شود)

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۱۱- روایت اول (اجلسوا فی بیوتکم) مختص به زمان حضور امام می باشد نه دوران غیبت.

توضیح بیشتر: بسیاری از قیام های منتسب به اهل بیت در زمان امام باقر و امام صادق علیهم السلام به وقوع پیوست و به همین دلیل ائمه ع در آن زمان یاران خود را از هرگونه همراهی با این قیام ها - به استناد شایعات تایید این نوع قیام ها از طرف ائمه - نهی می فرمودند مگر این که امام وقت، خود همراه با شخص قیام کننده خارج شده باشند.)

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۱۳- روایت دوم مربوط به دیدن صحیفه در زمان خروج قائم است در حالی که احمد اسماعیل به ادعای مبلغین این فرقه هنوز خروج نکرده است.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۱۲- روایت دوم صریح در دیدن صحیفه در زیر سر انسان، بعد از بیداری است.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۱۴- روایت سوم صریحاً مربوط به شناخت امام بعد از امام است و نه امام قبل از امام.

توضیح بیشتر: روایت سوم اساساً مختص به حضرت مهدی علیه السلام نیست و ذکر لفظ قائم در آن به معنای عام آن و در مورد رحلت هر امام حی و حاضر و قائمی می باشد، و این که امام بعدی را چطور باید شناخت، و راه شناخت امام بعدی اقرار تمام آل محمد بفضل کسی است که ادعای امامت کرده)

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۱۵- به قرینه لفظ (اقرار)، آل محمد در روایت سوم غیر از اهل بیت علیهم السلام می باشند.

توضیح بیشتر: ذکر لفظ (اقرار) به معنای نوعی اعتراف بوده و در مورد کسی است که از مطالبی ناراضی است اما به دلیل وضوح مطلب، نمیتواند آن را انکار کند، و این احتمال در مورد اهل بیت علیهم السلام صادق نمی باشد.)

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



روایات استخاره

۱- عن علي بن معاذ، قال: (قلت لصفوان بن يحيى: بأي شيء قطعت على علي - أي الرضا عليه السلام - قال: صليت ودعوت الله، واستخرت وقطعت عليه)^(۱).

۲- عن الحسين بن علي عليه السلام، قال: جاء رجل إلى أمير المؤمنين عليه السلام، فقال له: يا أمير المؤمنين، نبئنا بمهديكم هذا؟... ثم رجع إلى صفوة المهدي عليه السلام فقال: أوسعكم كهفاً، وأكثركم علماً، وأوصلكم رحماً، اللهم فاجعل بعثه خروجاً من الغمة، واجمع به شمل الأمة، فإن خار الله لك فاعزم، ولا تثن عنه إن وفقت

(۱) غيبة الطوسي: ۵۴.



۱۶- روایت سوم صریحاً مربوط به اقرار در بیداری و در زمان حیات است و نه در خواب.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



روش استدلال احمدیون به این روایات



له، ولا تجوزن عنه إن هدیت إلیه، هاه - وأوماً
بیده إلی صدره شوقاً إلی رؤیته -^(۱).

(۱) کتاب الغیبة - محمد بن إبراهیم النعمانی - ص



پاسخ های کوتاه به ادعاهای بزرگ احمد اسماعیل

۱- تمسک به استخاره در امور اعتقادی
جائز نیست.

توضیح بیشتر: تمسک به استخاره در امور
فقهی مثل نماز خواندن و روزه گرفتن بدون
شک جائز نمی باشد و به طریق اولی در امور
عقائدی که باید همراه یقین و علم باشند
استخاره جائز نمی باشد.

اثبات عقائد باید فقط با دلایل عقلی یقین
آور باشد و تمسک به دلیل ظن آور در عقائد،
جائز نمی باشد.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۲- بنابر ادعای احمد اسماعیل وصیت
یقیناً امامت وی را ثابت می کند در حالی که
استخاره برای امر مشکوک است.

توضیح بیشتر: همینکه احمد اسماعیل امر
به استخاره می کند به این معناست که دلایلی
که به آنان تمسک کرده یقین آور و واضح و
روشن نیستند، در حالی که امام صادق در
حدیثی درباره نشانه های خروج قائم فرمودند:
(ألا إنها أضوء من الشمس لا تخفى على بر ولا
فاجر، أتعرفون الصبح؟ فإنها كالصبح ليس به
خفاء - مانند خورشید بر نیکوکار و بدکار
واضح است آیا صبح را می شناسید مانند
صبح است مخفی نیست، و از طرفی شخص
احمد اسماعیل هم مدعی است که تمسک به
وصیت به تنهایی تا قیامت عاصم از ضلالت و
گمراهی است)

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:



۳- آیا احدی از مبلغین این فرقه حاضرند
 با استخاره همسر خود را طلاق داده و به عقد
 یکی از مخالفین خود درآورند؟
 توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:
 ۱:؟؟؟



۱:؟؟؟



۴- جواب استخاره برای بسیاری از افرادی که استخاره کرده اند بسیار بد بوده است. توضیح بیشتر: ترفند جدید مبلغین این فرقه در مواجهه با این مشکل این است که استخاره های خوب را حمل بر وجوب تبعیت از احمد اسماعیل و استخاره های بد را حمل بر ناپسند بودن عدم تبعیت از احمد اسماعیل می کنند!

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۵- از ابتدای خلقت تا به حال هیچ یک از پیامبران و ائمه علیهم السلام برای اثبات ادعای نبوت یا امامت خود، به استخاره تمسک نکرده اند.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۷- روایت اول ضعیف الدلالة و غیر قابل

تمسک می باشد.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۶- روایت اول ضعیف السند و غیر قابل

تمسک می باشد.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۹- در روایت اول احتمال دارد (علی) غیر از
امام رضاع باشد.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۸- در روایت اول تمسک به استخاره توسط
صفوان بن یحیی بوده است نه امام معصوم،
و مسلماً حجیت شرعی استخاره در امر امامت
را اثبات نمیکند.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۱۱- طبق روایت اول امام رضا علیه السلام برای اثبات امامت خود، به متن وصیت تمسک نفرموده اند.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱: ۴۴۴



۱۰- طبق روایت اول، امام رضا علیه السلام با وصیت شناخته نشده است.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱: ۴۴۴



۱۳- در روایت دوم عبارت (خار الله لك) به معنای خیرخواهی خدا است و ابداً حجیت استخاره را ثابت نمیکند.

توضیح بیشتر: در تمام روایات دیگر، این عبارت به معنای خیرخواهی خداوند برای بنده استفاده شده و ابداً معنای استخاره را نمیرساند.

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



۱۲- با قبول این روایت حرف واقفیه ثابت می شود، که هیچ دلیلی برای اصحاب بغیر از استخاره برای اثبات امامت امام رضا (علیه السلام) در آن زمان وجود نداشت!

توجیهات وارد شده از طرف احمدیون:

۱:؟؟؟



ضمیمه ۱:

عباس احمد!

چرا شیخ عباس فتحیه، تبدیل به عباس احمد شد؟!

(کاوشی شبه روانشناسانه در مورد یکی از انصار احمد اسماعیل مدعی یمانی)

بسم الله الرحمن الرحيم

شیخ عباس فتحیه از طلاب نسبتاً با استعداد حوزه علمیه قم در سالهای اخیر، اخیراً به ادعاهای فردی مجهول الحال به نام احمد اسماعیل، که خود را امام احمد الحسن و فرزند و فرستاده حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه معرفی کرده، ایمان آورده و در حال تبلیغ برای



نکته آخر: تمام آنچه در این نوشتار آورده شده است، تنها نمونه ای ناچیز و مختصر از پاسخ های قابل ارائه در مقابل این فرقه می باشد، والله العاصم و الهادی و المستعان ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم.



فرد مورد نظر می باشد.

فارغ از ادل اثبات یا رد ادعای امام مورد نظر، و گذشته از بحث های متعدد پیرامون این فرقه، به دلیل هم مدرسه ای بودن با ایشان در ابتدای طلبگی و آشنایی مختصر با ایشان، بر آن شدم تا شاید علت اساسی گرایش افراد مختلف و علی الخصوص افراد نسبتاً با استعدادی مانند شیخ عباس را بکاوم، باشد تا بدینوسیله از گرایش افراد دیگر به این نوع فرقه ها و نحله ها جلوگیری شود إن شاء الله. به صورت کلی، گرایش به فرقه ها و نحله های منحرف مختلف، به دلیل وجود خلاء و کمبودی درونی در فرد جذب شده می باشد و این خلاء می تواند ناشی از نارضایتی های سیاسی، فردی، اجتماعی، مادی، معنوی، علمی، مقامی و... باشد.

اما در مورد افراد نسبتاً با استعدادی مانند



شیخ عباس، در ابتدا به نظر می رسد که هیچ یک از این کمبودها وجود ندارد، و به همین دلیل است که این مورد، ارزش مطالعه و پژوهش را پیدا می کند- در حالی که با کمی تحقیق و تفحص در کلمات امروز و حالات درونی دیروز فرد ذکر شده، به دلیل اصلی این گرایش پی می بریم.

افرادی مانند شیخ عباس، به صورت ناخود آگاه و در واقع غیر ارادی، معتقد به حرکت و فرقه یمانی و امثال آن می شوند به این دلیل که این نوع فرقه ها، کمبود درونی روحیشان را جبران می کند و ایشان را به آرامش درونی موقت می رساند.

(باید به این نکته توجه داشت که در این نوشتار، اصل بر راستگو بودن و در نتیجه مغرض نبودن این افراد گذاشته شده است) مسلماً شیخ عباس به صورت آنی و دفعی



و در طی چند روز محدود، دچار این مشکل روحی نشده و جذب شدن وی به دلیل سالها درگیری با این اعتقاد درونی بوده است.

کار با ارزشی که شیخ عباس انجام داده این است که در بین دوستان خود از زندگی گذشته و حالات درونی اش پرده برداشته و همین امر موجبات نیل به جواب سوال مذکور در مورد وی را فراهم آورده است، چرا که برای تحلیل افکار افراد مختلف، نمیتوان بدون شناخت اقدام کرد و یا به استناد قیل و قال دیگران نتیجه گرفت و یا به اعترافات خود فرد در فضایی که در آن احساس امنیت روانی نمیکند تمسک جست، بلکه برای تحلیل درست باید فرد را در فضایی امن از نظر خودش و با افرادی دوست و خیرخواه از نگاه خودش قرار داد و این مهم در فایل های صوتی ضبط شده از طرف دوستان و انصار شیخ عباس، محقق



شده است.

اما مشکل و کمبود شیخ عباس، بی تردید هوش و استعداد نسبی او و عدم تهذیب اخلاقی متناسب با این هوش و استعداد می باشد.

هوشی که در طول سالهای متمادی، نگاهی از بالا به پایین به وی داده است به این معنی که هیچ فردی از موجودین و حتی سابقین، به این درجه از هوش و استعداد نرسیده است و بی تردید لازمه چنین اعتقادی به صورت طبیعی، حبّ بروز و ظهور در بین مجتمع موجود می باشد.

شواهدی که بر این مطلب از زندگی گذشته شیخ عباس دلالت دارد به عنوان نمونه عبارتند از:

* عمامه بسیار بزرگ و غیر متعارف در بین حوزویان در ابتدای سال دوم و سوم طلبگی، که به زعم شیخ عباس، به معنای



علم و درک خیلی خیلی بالای فرد معمم می‌باشد و با این عمامه بزرگ می‌تواند این مطلب را به دیگران بفهماند اما بالعکس در بسیاری از موارد باعث تمسخر ایشان توسط دیگران می‌شد. (موجود در فایل صوتی و مشاهدات شخصی)

* اعتراض لفظی شدید و پرخاشگرانه ای در ابتدای سال دوم حوزه! به مدیر کل حوزه های علمیه! در آن زمان - که خود به شخصه شاهد آن بودم - به این بهانه که کتب حوزوی موجود، به هیچ وجه بار علمی مناسب را ندارند و بر حوزه علمیه است که کتب تخصصی و سطح بالای مناسب جایگزین آنها شوند. (مشاهدات شخصی)

* طعن های مکرر و بی حد اندازه در بین فایل های صوتی ضبط شده، تقریباً به تمام مراجع موجود در مورد سطح علمی و



معرفتی پایین هر یک از ایشان و حتی عدم وجود مقدار مقبولی از تقوی در اکثر علمای اخلاق مشهور، که به صراحت در پی اثبات این نکته است که به دیگران بفهماند: (من از تمام شما بیشتر میفهمم و شما حتی در حد مباحثه با من هم نیستید!) (موجود در فایل صوتی)

* شروع به تبلیغ برای یمانی در همان ساعات اولیه رسیدن به خیمه اصحاب یمانی قبل از ایمان آوردنش و حتی قبل از آشنایی اولیه با مستندات اصحاب احمد اسماعیل! (موجود در فایل صوتی)

* تعلیم بزرگان و ریش سفیدان موجود در خیمه اصحاب یمانی در روز اول ایمان آوردنش و در نتیجه تحسین و تمجید ایشان از علمیت شیخ عباس! (موجود در فایل صوتی)

* منحرف بودن تمام طلاب مدرسه



محل تحصیلش به غیر از دو نفر که اتفاقاً تنها همان دو نفر هم انصار شدند! (موجود در فایل صوتی)

* سبز بودن خودش و چند نفر انگشت شمار از بین هزاران طلبه ی موجود در رویا، که همه آبی و سفیانی بودند! (موجود در فایل صوتی)

* باز شدن دربهای ملکوت! برای شخص خودش! (این یعنی رسیدن به مرتبه حضرت ابراهیم و این به معنای رسیدن به مقام امامت است!) (موجود در فایل صوتی)

* و.....

و ریشه مشکل همینجاست:

اولاً: اعتقاد به این که: از همه و همه بیشتر میفهمم!

وثانیاً: سعی در این که به دیگران بفهماند: من از تمام افراد بیشتر میفهمم!



و این دو اعتقاد سالها در ذهن او پرورش یافته، تا جایی که فکر می کند هیچ فرد و کتابی وجود ندارد تا به سوالات ذهن برتر او پاسخ داده و بالاتر از او فکر کند تا شاید بتواند خود را به وجود او قانع کند.

از طرفی او فردی متدین و معتقد به ائمه اطهار علیهم السلام است و میداند که علم ائمه متصل به علم خدا و در نتیجه نامحدود می باشد.

و نتیجه این می شود که با ادعای فردی به امامت و علم الهی، گم شده خویش را پیدا کرده، و به خوشبینانه ترین فرض، ذهن درونی او به صورت ناخود آگاه، راهی پیدا می کند تا بتواند این خلاء و کمبود را جبران کند چرا که با اعتقاد به این امام ثابت می شود که فقط امام و علم امامت است که قادر به پاسخگویی به پرسشهایش می باشد.



در واقع ذهن او، قبل از خواندن کتاب های منتسب به یمانی، اعتقاد به امامت وی پیدا کرده است، زیرا در غیر اینصورت، خلاء و کمبود پیش گفته به قوت خود باقی میماند و رهایی از آن پیدا نمیکند.

به عبارت دیگر شیخ عباس با ایمانش به احمد الحسن از درون فریاد میزند که فقط امام و علم امامت است که از من و علم من بالاتر است و بس!

پس به صورت ناخودآگاه و غیر ارادی به او ایمان می آورد و تازه بعد از آن شروع به خواندن کتاب های امام خود می کند، جالب اینجاست که به گفته خود شیخ عباس، همان کتابچه های اولیه که حاوی علم امامت است را تا انتها نمیخواند و بعد از مقداری مطالعه تشنگی علمیش ارضا می شود و کتاب ها را رها می کند، در حالی که در واقع ذهن او



از ابتدا نیازی به خواندن آن چند صفحه هم نمیدیده است!

راه حل پیشگیرانه:

در مورد پژوهشگران و فرهیختگان، شاید بتوان طلبه و دانشجوی علوم مختلف را در ابتدا به چند دسته تقسیم کرد:

فرد با استعداد که به دلیل عدم تهذیب به علم و استعداد خود متکی و مغرور است.

فرد با استعداد تهذیب شده و با تواضع حقیقی روز افزون که زاینده و نتیجه ی همان تهذیب است.

فرد کم استعدادی که به دلیل عدم تهذیب سعی در جبران کمبود علمی خود به طرق مختلف غیر اخلاقی دارد.

فرد کم استعدادی اما مهدّبی که سعی در جبران کمبود علمی خود با تلاش و کوشش و توسل دارد.



ضرورت تهذیب و تاکید بر این مسئله از همان ابتدای طلبگی روشن است، بدین معنا که برای طلبه و حتی دانشجو از ابتدای تحصیل روشن شود که هر درجه از علمیت در این راه، باید باعث تواضع علمی و عملی بیشتر در بین مردم و نسبت به مردم شود، به این معنا که طلبه هر چه عالم تر شود باید یقین بیشتری به نقص درونی خود پیدا کند و بداند که همیشه هستند کسانی که بیشتر و بهتر و عمیقتر از او میفهمند.

فردی که اولاً میدانند علم مستقلاً ندارد و ثانیاً عقده ای نیز برای معروف شدن و مشهور شدن ندارد، سراغ این نوع افکار و عقاید نرفته و نخواهد رفت، زیرا نمی خواهد به خودش و دیگران ثابت کند که از همه بالاتر است!

این امر در مورد طلاب کم استعداد به مراتب بیشتر جلوه می کند، زیرا کمیت این



افراد بیشتر از گروه اول بوده و احتمال گرایش ایشان به اینچنین فرقه هایی با توجه به وجود کمبود های بیشتر در زندگی خود به مراتب بیشتر می باشد.

در نهایت ذکر این نکته ضروری مینماید که ایمان به این گونه فرقه ها، مدتها قبل از شنیدن دلایل این فرق، به دلیل وجود کمبودهای شخصیتی، اجتماعی، تهذیبی و یا نارضایتی فردی یا سیاسی یا... در افراد می باشد و تنها بروز و ظهور این ایمان، در زمان برخورد با فرقه های مختلف اتفاق می افتد.

پ ن: متن فوق صرفاً برداشتی شخصی از وضعیت فرد مورد نظر بوده و به جهت مجادله و ردّ و اثبات نگارش نشده است.



سید محمد علوی





علمية له عند علماء الأحياء ولا حتى دينياً، فهذه الآيات كلها لا تعارض نظرية التطور بشكل قطعي ليقال مثلاً: إن الدين لا يجتمع مع نظرية التطور، فمثلاً قولهم: «إن بداية خلق الإنسان من طين» وإيرادهم الآيات القرآنية في ذلك يمكن أن يرد عليه ببساطة إنها في خلق نفسه؛ حيث إن الخلق الطيني كان في الجنة كما في الآيات القرآنية نفسها التي تذكر قصة الخلق، وأيضاً ذكر هذا في الروايات، والجنة عالم أنفس وليس عالماً جسمانياً مادياً كهذا العالم، وهذه مسألة سنبينها إن شاء الله. كذلك يمكن أن يرد بأن خلق الإنسان بدأ منذ خلق الله الخريطة الجينية الأولى أو البروتين الأول القابل للنسخ؛ حيث إنه خلق من المواد الكيميائية المتوفرة في هذه الأرض أو في ترابها أو من جزيئات الصلصال، وبهذا يصدق أن الله خلق الإنسان من طين ومن تراب ومن



ضمیمه ۲:

وهم المعجزة!

التناقض والتهاوت في كتاب (وهم الإلحاد)!

(١)



يقول أحمد اسماعيل في كتاب وهم الإلحاد الفصل الأول صفحة ٤٣:

.... إيرادهم الآيات القرآنية المتشابهة لرد نظرية علمية - مثبتة بأدلة علمية - لا قيمة



صلصال ومن الأرض؛ لأن الإنسان هو هدف الخلق المراد الوصول إليه، فالآيات التي تتكلم عن خلق آدم من طين و تراب يمكن أن تفهم بوجه موافق للتطور تماماً.

ولكن يقول في الفصل الثالث صفحة ١٣٤ من نفس الكتاب:

.... (إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ): بما أن آدم ﷺ هو الإنسان الأول في السماء الأولى فلا يمكن أن يُقال: إِنَّ نَفْسَهُ اصْطُفِيَتْ؛ لأن الاصطفاء لا بد أن يكون من مجموعة، فلا يمكن أن ينطبق هذا الاصطفاء إلا على الجسم الأرضي الذي اتصلت به نفس آدم ﷺ، وهذا معناه أن هناك خلقاً أرضيين آخرين كانوا موجودين واصطفى الله جسم آدم من هؤلاء أشباه الناس، فالاصطفاء لا يكون إلا من المماثل، وآدم كجسم يشبه من ولد بينهم وكنفس آدمية أولى بثت بينهم، يصدق عليه قول إنه اصطُفِيَ منهم.



أمّا القول إنَّ اصطفاء آدم من بقية المخلوقات فهذا كلام لا يستقيم، فما معنى أن تقول إنك اصطفيت فرداً إنسانياً من بين مجموعة من السباع و البقر و الحمير.. الخ، هل هذا الكلام له معنى؟ أو حتى ينطق به حكيم؟!!

بعض التناقضات والتهافتات في هذين العبارتين:

١ - يقول في البداية (والجنة عالم أنفس وليس عالماً جسمانياً مادياً كهذا العالم) ويصرح بأن آدم عليه السلام لم يكن في بداية خلقه وفي الجنة له جسم، والحال ينقض كلامه في العبارة الثانية (فالاصطفاء لا يكون إلا من المماثل) ويصرح بأن آدم حين خلقه و اصطفاؤه كان له جسم مادي حتى يصدق القول بأن الله اصطفى آدم من بين المماثلين له، وهل هذا إلا تهافت وتناقض صريح، فما لكم كيف تحكمون؟!

٢ - في كلامه يذهب إلى احتمالين لحلّ



مسئله الخلقه القرآنية من طين وما يذهب إليه من التطور، والمفروض له إذا كان ابن إمام ويأخذ علومه من الإمام بلا واسطة، بعلمه اللدني ينقل الإحتمال الصحيح والحق ولا يتشبه بالإحتمالات العديدة لحلّ مسألة واحدة؟ وهذا النوع من الأسلوب ما يستعمله المدعي أحمد الحسن، في عدة المباحث و المسائل التي لا يقدر الإجابة عنها!

۳- يقول أنّ الإصطفاء لابدّ أن يكون من بين المماثلين والحال الله جلّ جلاله إصطفى نبيه الأعظم من بين جميع خلقه وسماه المصطفى، ولكن بناء على ما يقوله المدعي، يلزم بأنّ الله إصطفى نبيه الأعظم من بين الناس فقط وهذا ما لا يقبله أيّ مسلم في العالم وقد وردت روايات متواترة من أهل البيت عليهم السلام في مقابل هذه النظرية البائسة (بما أن آدم عليه السلام هو الإنسان الأول في



السماء الأولى فلا يمكن أن يُقال: إنّ نفسه اصطفيت؛ لأنّ الاصطفاء لا بدّ أن يكون من مجموعة) أمّا القول إنّ اصطفاء محمد صلى الله عليه وآله من بقية المخلوقات، فهذا كلام لا يستقيم!!



ولادة آدم وحواء عليهما السلام من أبوين من (النسب)

يتشبه المدعي أحمد إسماعيل في كتابه وهم الإلحاد برواية عن الإمام الباقر عليه السلام، بأن للأنبياء والأوصياء خمسة أرواح: روح القدس وروح الإيمان وروح الحياة وروح القوة وروح الشهوة.... ويقول في تنمة كلامه: (فمن ليس له روح الإيمان أو تسلب منه روح الإيمان تبقى له ثلاثة أرواح أو ثلاثة جهات للروح وهذه هي نفس جهات أنفس الحيوانات فلا تكون له ميزه عن القردة والخنزير. وهم الإلحاد صفحة ١٤٢) وبعد ذلك يثبت وفقاً لنظرية التطور، بأن الله أنزل آدم عليه السلام من الجنة وبقي آدم مأتين عام



يدعوا الله ولكن في بدنه المثالي (صفحة ١٥٥) ولكن جسمه الأرضي كان يتكون وفيه الأرواح الثلاثة الحيوانية، دون روح القدس وروح الإيمان حيث يقول ما نصه: ((قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبَعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ): أي أَنَّ النَّفْسَ التي خُلِقَتْ من الطين المرفوع إلى السماء الأولى أُهْبِطَتْ لتتصل بجسم حيواني معينٍ مهياً لاستقبالها ويتم امتحانها الأرضي كما أراد الله، وهذا لا يتعارض مع ما يُثبتهُ علماء الأحياء من نظرية التطور وأصل النوع الإنساني بالخصوص، فهو متوافق مع نظرية التطور والارتقاء.

فلا إشكال أن يكون هناك كائن حيّ ترقى من الطين والماء حتى وصل إلى تركيب جسماني حيواني له الأرواح الثلاثة الأولى (روح الحياة و القوة والشهوة)، ثم بُثَّتْ نفس



آدم عليه السلام فيه لتحصّل نقله شاملة لهذا الكائن من الحيوانية والبهيمية إلى الإنسانية النبوية الرسالية وثقافتها وقيمها الأخلاقية الراقية، وهذا يفسّر في نفس الوقت القفزة الحضارية والثقافية التي بدأت في أرض سومر قبل آلاف السنين تفسيراً معقولاً ومقبولاً علمياً. صفحة (١٥٢)

ولكن هذا الجسم الحيواني من أين جاء؟ يجيب المدعي أحمد الحسن عن هذا السؤال بعبارته التالية ويصرّح فيها بولادة جسم آدم وحواء من نسناس (شبه آدم الذي كان يعيش قبل خلق آدم وهذا ما أثبتته المدعي في نفس الكتاب) ولحوق جسمهما اللطيف السماوي بعد هذه الولادة إلى جسمهما الأرضي: (ثم شاء الله سبحانه وتعالى أن يوصلهما بجسدين ماديين ارضيين ويغفلهما عن حالهما السابق ليتّم الامتحان، فولد من أشباه الأدميين بعد



أن تهيات أجسام هؤلاء الأقوام لاستقبال نفس كنفس آدم عليه السلام، وأصبحت أيضاً لديهم القدرة على استقبال البلاغ الإلهي الذي سيصلهم عن طريق آدم عليه السلام الذي ولد فيهم وبُعث فيهم. (صفحة ١٥٣)

وهذا يعني والد ووالدة آدم وحواء من النسناس الذين هم بإعتراف المدعي في نفس الكتاب، من الكافرين بالله كما يكرّر هذا الإدعاء السخيف ويؤكد عليه: (رفعت الملائكة طينة من الأرض إلى السماء كما أمرها الله وخلق منها صورة آدم عليه السلام في السماء الأولى ومن ثم نفخت فيها الروح، فخلق آدم عليه السلام أو نفس آدم عليه السلام في السماء الأولى «جنة آدم عليه السلام» ثم تمت مشيئة الله بأن ينزل آدم عليه السلام إلى الأرض ونزل أو نزلت نفسه إلى الأرض وكذا حواء (عليها السلام)، ومن ثم بقيت نفسه تحوم في الأرض وتنتقل فيها وأدى أعمالاً



كان لابد أن يؤديها؛ منها: لقاءه بحجر العهد وحمله، ومنها: استغفار آدم وطوافه حول البيت هو وحواء، وبقي عل هذا الحال نفساً تنتقل وتحوم في الأرض حتى شاء الله أن تتصل بجسد وُولِدَ هذا الجسد وهو يحمل نفس أول إنسان على هذه الأرض وكذا حصل مع حواء (عليها السلام). (صفحة ١٥٤) ولم أفهم كيف يستحيل أن يكون الجسم المادي في الجنة الدنيوية ولا يستحيل أن يعيش الجسم المثالي اللطيف في الأرض، فالله الذي يقدر على مثل هذا، لا يقدر على مثل ذلك؟! إضافة على ما هو ثابت عند الشيعة بأن الأنبياء والأئمة لم يتولدوا من خبيث وكافر وظالم، فضلاً عن النسناس!!!



(إشبهه في إدعائه بالإمامة والعلم اللدني من أبيه!!!)

المدعي أحمد الحسن ينقل في كتابه الموسوم بوهم الإلحاد، روايتين متعارضتين من حيث المنطوق والمفهوم ويتمسك بكليهما ويؤيدهما، والحال لوجود التعارض لابد أن ينكر أحد هذين الروايتين ويتمسك بالأخرى: ١- عن جابر بن يزيد الجعفي، عن أبي جعفر محمد بن علي بن الحسين، عن أبيه، عن آبائه عليهم السلام عن علي أمير المؤمنين عليه السلام قال: [إن الله تبارك وتعالى أراد أن يخلق خلقاً بيده وذلك بعد ما مضى من الجن والنسناس في الأرض سبعة آلاف سنة، وكان من شأنه خلق آدم كشط عن أطباق السماوات، قال



للملائكة: أنظروا إلى أهل الأرض من خلقي من الجنّ والنسّاس، فلما رأوا ما يعملون فيها من المعاصي وسفك الدماء والفساد في الأرض بغير الحق عَظُمَ ذلك عليهم وغضبوا وتأسفوا على أهل الأرض ولم يملكوا غضبهم، قالوا: ربنا إنك أنت العزيز القادر الجبار القاهر العظيم الشأن وهذا خلقك الضعيف الذليل يتقلبون في قبضتك ويعيشون برزقك ويستمتعون بعافيتك وهم يعصونك بمثل هذه الذنوب العظام لا تأسف عليهم ولا تغضب ولا تنتقم لنفسك لما تسمع منهم وترى وقد عظم ذلك علينا وأكبرناه فيك.

قال: فلما سمع ذلك من الملائكة، قال (إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً) يكون حُجَّةً لي في أرضي على خَلْقِي، فقالت الملائكة: سبحانك (أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا) كما أفسد بنو الجنّ ويسفكون الدماء كما سفك



بنو الجنّ ويتحاسدون ويتباغضون، فاجعل ذلك الخليفة منا فإننا لا نتحاسد ولا نتباغض ولا نسفك الدماء، ونسبح بحمدك ونقدس لك، قال جلّ وعزّ: (إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ) إِنِّي أريد أن أخلق خلقاً بيدي وأجعل من ذريته أنبياء ومرسلين وعباداً صالحين أئمة مهتدين، وأجعلهم خلفاء على خلقي في أرضي، ينهونهم عن معصيتي، وينذرونهم من عذابي، ويهدونهم إلى طاعتي، ويسلكون بهم طريق سبيلي، وأجعلهم لي حُجَّةً عليهم، وأبيد النّسّاس من أرضي وأطهرها منهم..... (صفحة ۱۳۶)

۲- «إن الأحلام لم تكن في ما مضى في أوّل الخلق وإنما حدثت»، فقلت: وما العلّة في ذلك؟ فقال: «إن الله عزّ ذكره بعث رسولا إلى أهل زمانه فدعاهم إلى عبادة الله وطاعته، فقالوا: إن فعلنا ذلك فما لنا؟ فوالله ما أنت بأكثرنا مالا ولا بأعزّنا عشيرة، فقال:



إن أطمعتموني أدخلكم الله الجنة وإن عصيتموني أدخلكم الله إلى النار. فقالوا: وما الجنة وما النار؟ فوصف لهم ذلك فقالوا: متى نصير إلى ذلك؟ فقال: إذا متّم. فقالوا: لقد رأينا أمواتنا صاروا عظاماً ورفاتاً، فازدادوا له تكذيباً وبه استخفافاً، فأحدث الله (عز وجل) فيهم الأحلام، فأتوه فأخبروه بما رأوا وما أنكروا من ذلك. فقال: إن الله عزّ ذكره أراد أن يحتجّ عليكم بهذا، هكذا تكون أرواحكم إذا متّم، وإن بليت أبدانكم تصير الأرواح إلى عقاب حتّى تبعث الأبدان»

واضح من الرواية أن القوم المذكورين لا يعرفون شيئاً عن الاتصال الروحي بالسماء ولو كانت لديهم ديانة وعبادة فهي بمستوى دون المستوى الآدمي الذي نعرفه بينما آدم نبي وذريته يعرفون هذه الأمور ويتوارثونها بينهم، فمن المستحيل أن لا يعرف قوم من بني آدم



بالرؤيا لو حتى اجمالاً ولا يعرفون بالجنة والنار ولو اجمالاً، وأن هناك من دعا لها وهو آدم والأوصياء، وهذا يجعل الأمر منحصراً بآدم وأن القوم الذين دعاهم هم قوم لأول مرة يدعون لعبادة الله سبحانه بحسب المنهج الديني الآدمي. (صفحة ١٦٣)
أوجه التناقض:

يقول الله عزّ وجلّ في الرواية الأولى لملائكته (وأبید السّنان من أرضي وأطهرها منهم) وهذا يعني، لا مجال لإطاعة السنان العاصين في الأرض لله، بعد خلق الخلق الجديد وأنبيائهم ولا وجود لهم في الأرض أصلاً، حيث ورد التعبير بأن يطهر الأرض منهم، والتطهير لا يكون إلّا من النجاسات والأوساخ سواء أكان الماديات أو المعنويات، لا تطهير الأرض من المؤمنين والموحدين، ولكن ورد في الرواية الثانية: (إن الله عزّ ذكره بعث



محمد العلوي

قم المقدسة - شهر ربيع الأول ١٤٤٠ هـ



رسولاً إلى أهل زمانه فدعاهم إلى عبادة الله وطاعته) وبعث النبي لا يكون إلا لقوم يريد الله أن يهديهم إلى صراط الحق ولا لمن لم يرد لهم ذلك بل أراد أن يببدهم ويطهر الأرض من وجودهم!!؟

هذا وقد إستدلّ المدعي أحمد الكاتب بهتين الروايتين لإثبات موافقة نظرية التطور مع النصوص الدينية ومع ردّ أيّ رواية منهما، سيثبت عدم وجود الموافقة بين نظرية التطور العلمية وبين النصوص الدينية التي يتمسك بها!

فإمّا إشتبه بالتمسك بأحد الروايتين وإمّا إشتبه في إدعائه بموافقة التطور والنصوص الدينية وإمّا إشتبه في إدعائه بالإمامة والوصاية والعلم اللدني من أبيه وأمّا إشتبه في...!!! والأظهر إشتبه في الكلّ...!

والله العالم



- پاسخ های کوتاه به ادعاهای بزرگ..... ۱۱۱
- روایت (و من البصرة... أحمد) ۱۱۸
- روش استدلال احمدیون ۱۱۹
- پاسخ های کوتاه به ادعاهای بزرگ..... ۱۲۰
- روایت (اولهم من البصرة)..... ۱۲۷
- روش استدلال احمدیون ۱۲۸
- پاسخ های کوتاه به ادعاهای بزرگ..... ۱۲۹
- روایت (الذي يخفى فأحمد)..... ۱۳۷
- روش استدلال احمدیون ۱۳۸
- پاسخ های کوتاه به ادعاهای بزرگ..... ۱۴۱
- روایت (شعارهم احمد احمد)..... ۱۵۳
- روش استدلال احمدیون ۱۵۴
- پاسخ های کوتاه به ادعاهای بزرگ..... ۱۵۵
- روایت (الأوصياء من عترته)..... ۱۶۴
- روش استدلال احمدیون ۱۶۵
- پاسخ های کوتاه به ادعاهای بزرگ..... ۱۶۶
- روایت (خاملاً اصله)..... ۱۷۴



فهرست

- پیش گفتار: ۶
- نکات ضروری: ۱۰
- آرم و لوگوی اصلی فرقه یمانی ۱۴
- روایت (وصیت شب وفات)..... ۱۵
- متن روایت: ۱۵
- ترجمه روایت:..... ۱۹
- روش استدلال احمدیون به این روایت..... ۲۲
- پاسخ های کوتاه به ادعاهای بزرگ..... ۲۴
- روایت (رایة الیمانی) ۸۴
- روش استدلال احمدیون به این روایت..... ۸۶
- پاسخ های کوتاه به ادعاهای بزرگ..... ۸۷
- روایت (لا یدعیه غیر صاحبه)..... ۹۵
- روش استدلال احمدیون به این روایت..... ۹۶
- پاسخ های کوتاه به ادعاهای بزرگ..... ۹۷
- روایت (المشرب حمرة)..... ۱۰۸
- روش استدلال احمدیون ۱۱۰



- روایات رؤیا ۲۴۱
- روش استدلال احمدیون ۲۴۳
- پاسخ های کوتاه به ادعاهای بزرگ ۲۴۴
- روایات استخاره ۲۶۱
- روش استدلال احمدیون ۲۶۳
- پاسخ های کوتاه به ادعاهای بزرگ ۲۶۴
- ضمیمه ۱: عباس احمد! ۲۷۹
- ضمیمه ۲: وهم المعجزة! ۲۹۴



- روش استدلال احمدیون ۱۷۵
- پاسخ های کوتاه به ادعاهای بزرگ ۱۷۶
- روایت (ولی لاوامر مولا) ۱۸۸
- روش استدلال احمدیون ۱۸۹
- پاسخ های کوتاه به ادعاهای بزرگ ۱۹۰
- روایت (أنا عبد الله اسمی اسرائیل) ۱۹۹
- روش استدلال احمدیون ۲۰۰
- پاسخ های کوتاه به ادعاهای بزرگ ۲۰۱
- روایت (خلیفة المهدی) ۲۰۵
- روش استدلال احمدیون ۲۰۶
- پاسخ های کوتاه به ادعاهای بزرگ ۲۰۷
- روایات (علم امامت) ۲۱۲
- روش استدلال احمدیون ۲۱۵
- پاسخ های کوتاه به ادعاهای بزرگ ۲۱۶
- روایت (عهد نبی الله) ۲۳۱
- روش استدلال احمدیون ۲۳۲
- پاسخ های کوتاه به ادعاهای بزرگ ۲۳۳























به ادعاهای بزرگ

پاسخ های کوتاه

